

[A Persian translation of the message of the Universal House of Justice  
dated 28 November 2023 to the Bahá'ís of the world]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان  
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۲۸ نوامبر ۲۰۲۳

دوستان عزیز و محبوب،

در آرامی و تاریکی نیمه‌شب ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱، قریب به شش صد نفر از نمایندگان محافل روحانی ملی و شوراهای منطقه‌ای بهائی به همراه اعضای بیت العدل اعظم و دارالتبلیغ بین‌المللی و همچنین خادمین مرکز جهانی بهائی برای ادای احترام و برگزاری صدمین سال صعود حضرت عبدالبهاء، در جوار مقام مقدّسش گرد هم آمدند. در طی آن شب و با چرخش کره زمین، جوامع بهائی در سراسر جهان نیز در شهرهای کوچک و بزرگ در محله‌ها و دهکده‌ها، و در کمال خضوع جمع شدند تا شخصیت مقدّسی را که در تاریخ ادیان بی نظیر و مثل است تجلیل نمایند و در باره توفیقات قرنی که ید مبارکش آن را به جریان انداخت به تفکّر و تعمّق پردازند.

این جامعه — اهل بها، عاشقان وفادار حضرت عبدالبهاء — امروز متشکّل از میلیون‌ها نفوس است و به یک صد هزار نقطه در ۲۳۵ کشور و سرزمین گسترش یافته است. این جامعه از مرحله مجهولیت گذشته تا جایگاه خود را در صحنه جهانی احراز نماید و با تأسیس شبکه‌ای مرکب از هزاران مؤسسه از سطح مردمی تا سطح بین‌المللی، مردمان گوناگون را در هدف مشترک تجسم بخشیدن به تعالیم حضرت بهاء‌الله جهت تقلیب روحانی و پیشرفت اجتماعی متحد نموده و در بسیاری از مناطق، الگویی برای تأسیس جوامع محلی فعال و پویا، هزاران نفوس و در بعضی دیگر ده‌ها هزار نفر را در بر گرفته است. در چنین محیط‌هایی شیوه جدیدی از زندگی در حال شکل‌گیری است، شیوه‌ای که به خصیصه نیایش متمایز است، جوانان به تحصیل و خدمت متعهدند، و مکالمات هدف‌مند در بین خانواده‌ها، دوستان و آشنایان در باره مواضع مهم روحانی و اجتماعی، و مجهودات جمعی در جهت پیشرفت مادی و اجتماعی صورت می‌گیرد. آثار مقدّسه بهائی به بیش از هشت صد زبان ترجمه شده است. تأسیس مشارق اذکار ملی و محلی، پیدایش هزاران مرکز مخصوص عبادت و خدمت را در آینده بشارت می‌دهد. مرکز جهانی اداری و روحانی آیین بهائی در دو شهر مقدّس عکا و حیفا تأسیس و استقرار یافته است. علیرغم محدودیت‌های کنونی و آشکار جامعه در مقابل آرمان‌های والایش و همچنین با در نظر گرفتن فاصله‌ای که آن را از دستیابی به هدف نهایی اش، یعنی تحقق وحدت عالم انسانی جدا می‌سازد — منابعش، قابلیت‌های

تشکیلاتی اش، توانایی اش برای حفظ رشد و توسعه سیستماتیک و منظم، تعاملش با نهادهای هم فکر، مشارکتش در اجتماع و تأثیر سازنده اش بر آن، جملگی در اوج بی سابقه ای از توفیقات تاریخی قرار دارد.

ملاحظه نمایید که چه مسافت عظیمی را امر الهی در عرض یک قرن گذشته از لحظه ای که حضرت عبدالبهاء این عالم فانی را ترک فرمودند طی کرده است! در سحرگاه آن روز پرانده خبر صعود آن حضرت در شهر حيفا منتشر و قلوب را قرین غم و اندوه ساخت. هزاران نفر اعم از پیر و جوان، شریف و وضع، مقامات برجسته و توده های مردم، از جمله یهودیان و مسلمانان، درویشان و مسیحیان، و نیز بهائیان برای تشییع عرش مبارک تجمع نمودند، تجمعی که آن شهر نظیر آن را هرگز به خود ندیده بود. از دید جهانیان، حضرت عبدالبهاء علم دار صلح بین المللی و یگانگی نوع بشر، مدافع ستم دیدگان و مروج عدالت بود و برای مردم عکا و حيفا، آن حضرت پدری مهربان و دوستی پرمهر، مشاوری خردمند و ملجأ و پناه نیازمندان بود. آنان در مراسم تشییع عرش مبارکش مراتب عشق و محبت را با سوز و گداز ابراز کردند.

اما طبیعتاً عمیق ترین احساس فقدان مولای محبوب از آن بهائیان بود. هیكل مبارک آن عطیة گران بهایی بود که ید عنایت مظهر ظهور الهی برای هدایت و صیانت شان اعطا فرموده بود، وجود مقدسی که مرکز و محور عهد و میثاق بی مثل و جامع حضرت بهاء الله، مثل اعلای تعالیمش، مبین مصون از خطای آیاتش، مظهر کلیة صفات و فضایل بهائی بود. حضرت عبدالبهاء در طول حیات مبارکش در راه خدمت به حضرت بهاء الله به نحو خستگی ناپذیری جهد نمود و مأموریت مقدس محوله از طرف اب بزرگوارش را تماماً به انجام رساند. آن مولای مهربان بذر گران بهایی را که کاشته شده بود با وفاداری کامل پرورش داده محافظت نمود، آیین بهائی را در مهد امر الله حفظ و صیانت کرد و انتشارش در غرب را هدایت نموده مهد نظم اداری را در آن دیار تأسیس فرمود، مؤمنین را عزم راسخ و ثبوت بیاموخت و جمعی از باسلان و اولیای الهی را پرورش داد. به دست مبارکش عرش مطهر حضرت باب را در ضریحی که در کوه کرمل بنا کرده بود مستقر ساخت، از دو عتبه مقدسه با فداکاری و خلوص مراقبت نمود و پایه های مرکز اداری جهانی امر الله را بنا نهاد، امر الهی را از دشمنان سرسخت داخل و خارج حفظ کرد، و منشور گران بهای نشر تعالیم حضرت بهاء الله در بین همه مردم جهان، و همچنین منشوری را که موجد و محرک فرایندهای تأسیس نظم اداری است نازل فرمود. حیات پرثمر آن حضرت تمامی دوران عصر رسولی را که با اظهار امر حضرت باب افتتاح گشت در بر گرفت. صعود مبارکش عصر جدیدی را آغاز کرد که ویژگی های آن برای مؤمنین هنوز ناشناخته بود. تقدیر عاشقان روی دل جویش چه بود؟ آینده در غیاب جسمانی آن مولای حنون و بدون هدایات مستمرش مبهم و جان فرسا به نظر می رسید.

مضطرب و پریشان از خبر صعود مبارک، حضرت شوقی افندی نوه حضرت عبدالبهاء که در انگلستان تحصیل می نمود، به ارض اقدس شتافت و در آنجا با ضربه حیرت انگیز دیگری رو به روشد. حضرت عبدالبهاء ایشان را به مقام ولی امر و مرجع امر الهی منصوب و اداره عالم بهائی را به ایشان سپرده بودند. حضرت شوقی

افندی در غم و اندوه و درد و الم ولی تحت توجه و محبت بی دریغ صبیّه عزیز حضرت بهاء الله بهیّه خانم، خلعت سنگین وظیفه و مقام خود را پذیرفت و ارزیابی شرایط و امکانات این جامعه نوپا را آغاز کرد.

اعلان انتصاب حضرت شوقی افندی به مقام ولی امر موجب آرامش و قدردانی و اعلام وفاداری جمع مؤمنین گردید. غم و اندوه جدایی از مولای مهربان با وعود قطعیه مذکور در الواح وصایای مبارکش که آنان را تنها نگذاشته بود تخفیف یافت. در عین حال، عده معدودی از بی وفایان تحت تأثیر خودخواهی و جاه طلبی، جانشین منتخب حضرت عبدالبهاء را به چالش کشیده قیام به مخالفت با او نمودند. بی وفایی آنان در آن لحظه حساس انتقال که با دسیسه های تازه دشمنان سرسخت مولای محبوب عجین گشت بروخامت اوضاع افزود. ولی با وجود فشار شدید چنین درد و الم و افتتان و در رویارویی با دیگر موانع سهمگین، حضرت شوقی افندی شروع به آماده کردن و به حرکت آوردن اعضای جوامع بسیار پراکنده بهائی نمودند تا وظیفه عظیم بنیان گذاری شالوده نظم اداری را آغاز کنند. افرادی که قبلاً مجذوب شخصیت بی نظیر حضرت عبدالبهاء شده بودند به تدریج تحت هدایات صبورانه و در عین حال قاطع حضرت ولی امرالله شروع به هماهنگ کردن تلاش های خود در یک مشروع مشترک نمودند.

زمانی که احباً شروع به انجام مسئولیت های جدید خود کردند، حضرت شوقی افندی به آنان تأکید نمودند که درک فعلی آنان از آثار مقدسه چقدر ابتدایی و چالش های پیش روی شان چقدر مرعوب کننده است. هیکل مبارک مرقوم فرمودند "چه عظیم است ظهور حضرت بهاء الله و چه وسیع است فیوضات و مواهب آن حضرت که در این زمان نصیب عالم انسانی شده و در عین حال چه نارسا و چه قلیل است فهم ما از عظمت و اهمیّت این مواهب. نسل حاضر به این چنین ظهور اعظمی نزدیک تر از آن است که بتواند امکانات لانه پناه اش، خواص ممتاز بی نظیرش و تقدیرات قدریه مستورش را چنانکه باید و شاید ادراک نماید." (ترجمه) منشی آن حضرت از طرف ایشان نوشت "درک محتوای الواح مبارکه وصایای حضرت مولی الوری برای نسل کنونی بسیار مشکل و کشف کنوز حکمت مکنون در آن نیازمند حدّ اقلّ یک قرن فعالیت است." (ترجمه) برای آشنایی با ماهیّت و ابعاد بینش حضرت بهاء الله در باره یک نظم جدید جهانی، به فرموده حضرت شوقی افندی "کسب درکی روشن تر و کامل تر از تمهیدات و مقتضیات این نظم بدیع را باید به گذشت زمان و هدایات بیت العدل اعظم الهی بسپاریم." (ترجمه)

پس از اتمام یک قرن کامل "فعالیت"، این لحظه دیدگاه مناسبی را عرضه می کند که از آن می توان بینش های جدیدی کسب نمود. حال فرصت این سالگرد را غنیمت شمرده ایم تا با شما در مورد حکمت های مندرج در تمهیدات الواح وصایا تأمل نماییم، مسیر بسط و گسترش امرالله را دنبال کرده انسجام مراحل رشد و توسعه ارگانیک آن را نظاره کنیم، امکانات بالقوه فرایندهایی را که باعث پیشرفت آن می شود تشخیص دهیم، و

در حالی که قوای آن برای ایجاد تحوّل در اجتماع در اثر ظهور عظیم حضرت بهاءالله به نحو فزاینده‌ای مشهودتر می‌شود نویدهایش را برای دهه‌های آینده درک کنیم.

به عرصه شهود و ظهور آوردن کلام الهی

هدف حضرت بهاءالله آغاز مرحله جدیدی در رشد و تکامل بشر یعنی وصول به وحدت ارگانیک و روحانی مردم و ملل جهان است که بالنتیجه نمایان‌گر بلوغ نوع بشر و ظهور مدنیت و فرهنگ جهانی در میقات معین خواهد بود. بدین منظور آن حضرت تعالیم خویش را برای تقلیب درونی و برونی حیات بشری نازل فرمودند و می‌فرمایند "هر آیه‌ئی از آیات منزله بایست مبین از برای ظهور اخلاق روحانیّه و اعمال مقدّسه". در الواح بی‌شماری آن طبیب الهی بیماری‌هایی را که نوع بشر بدان مبتلاست تشخیص داده درمان شفابخش خود را برای "علوّ و سموّ و تربیت و حفظ و تهذیب اهل ارض" ارائه فرمودند. حضرت بهاءالله تشریح می‌فرمایند که "این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه‌ئی نبوده و نیست". و نیز می‌فرمایند "هر ذی بصر و سمعی باید جهد نماید تا اسباب آنچه ذکر شد از عالم الفاظ و اقوال بعرضه شهود و ظهور آید... طوبی لمن اصبح قائماً علی خدمة الأمم"<sup>۱</sup>.

امر مهمّ بنای دنیایی متّحد که در آن بلوغ فکری، عدالت، صلح و صفا برقرار باشد اقدام وسیعی است که هر قوم و ملّتی باید بتواند در آن مشارکت نماید. جامعه بهائی از پیوستن همگان به این تلاش جمعی به عنوان عاملینی فعّال در یک مشروع روحانی استقبال می‌کند، مشروعی که قادر به غلبه بر تأثیرات نیروهای مخرب است که در حال فرسودن نظم اجتماعی قدیم‌اند و در حال شکل دادن به فرایند سازنده‌ای که بالمآل منتج به شکوفایی نظامی جدید به جای آن خواهد شد. عصر تکوین، آن دوره حسّاس در رشد و توسعه امرالله است که طیّ آن احبّاباً به نحو فزاینده‌ای اهمّیّت رسالتی را که حضرت بهاءالله به آنان سپرده است درک کرده فهم خود را از معانی و مقتضیات آیات نازلّه آن حضرت عمیق‌تر می‌سازند، و به نحوی سیستماتیک قابلیت خود و دیگران را پرورش می‌دهند تا تعالیم مبارکش را برای اصلاح عالم به مرحله عمل درآورند.

حضرت شوقی افندی از آغاز ولایت، احبّاباً را در راه تلاش برای کسب درک عمیق‌تری از رسالت بهائیان هدایت فرمودند، رسالتی که هویت و اهداف‌شان را تعیین خواهد کرد. هیکل مبارک برای بهائیان مفهوم ظهور حضرت بهاءالله، چشم‌انداز آن حضرت برای نوع بشر، تاریخ امرالله، فرایندهای تحوّل اجتماع، و نقش احبّاباً در کمک به پیشبرد نوع بشر را روشن نمودند. آن حضرت ماهیت رشد و توسعه جامعه بهائی را تشریح فرمودند تا احبّاباً درک کنند که طیّ دهه‌ها و قرن‌ها جامعه دست‌خوش تقلیب و دگرگونی‌های بسیار و اغلب غیر منتظره خواهد شد. هیکل مبارک همچنین پدیده فراز و نشیب بحران و پیروزی را توصیف کرده آنان را برای مسیر پرپیچ و خمی که باید طی نمایند آماده ساختند. احبّاباً را به تهذیب اخلاق و کسب آمادگی و تیزهوشی برای مقابله با چالش‌های ایجاد

<sup>۱</sup> مضمون بیان: خوشا به حال کسی که به خدمت عالمیان قیام نماید.

دنیایی جدید دعوت فرمودند. حضرت ولیّ امرالله احبّاً را مؤکداً گوشزد فرمودند که هنگام مواجهه با مشکلات یک جامعه نوپا و به سرعت در حال تکامل یا در رویارویی با محرومیت‌ها و اوضاع رو به وخامت این عصر پراشوب مایوس و ناامید نگردند، و آنان را یادآور شدند که وعود حضرت بهاءالله در آینده با جلوه و بروز کامل تحقق خواهد یافت. هیکل مبارک تشریح فرمودند که بهائیان می‌باید همانند مایه و جوهری تأثیرگذار و حیات‌بخش باشند و الهام‌بخش دیگران شوند که بتوانند قیام نموده بر روش‌های دیرینه تفرقه‌افکنی، اختلاف و رقابت برای کسب قدرت غلبه کنند تا والاترین آمال بشریت بتواند نهایتاً حاصل شود.

حضرت ولیّ امرالله ضمن تحکیم ادراک این مفاهیم، مؤمنین را نیز قدم به قدم هدایت می‌فرمودند تا بیاموزند که چگونه اساس ساختار نظم اداری را به نحو مؤثری بنیان نهند و تعالیم حضرت بهاءالله را به طور سیستماتیک با دیگران در میان گذارند. ایشان صبورانه تلاش‌های آنان را با روشن ساختن تدریجی ماهیت، اصول، و موازینی که مشخصه آن نظم است هدایت کرده تا آنان قابلیت خود را برای ترویج امرالله به طور فردی و جمعی افزایش دهند. در مورد هر امر مهمی هیکل مبارک هدایاتی ارائه می‌فرمودند و احبّاً مشورت کرده می‌کوشیدند تا هدایات آن حضرت را به کارگیرند، تجربیات خود را با ایشان در میان گذاشته و هنگامی که با مسائل و مشکلات غامضی رو به رو می‌شدند سؤالاتی مطرح می‌نمودند. سپس حضرت ولیّ امرالله با توجه به تجارب اندوخته شده، هدایات بیشتری ارائه می‌فرمودند و مفاهیم و اصولی را به تفصیل بیان می‌کردند که احبّاً را قادر می‌ساخت تا اقدامات خود را در صورت لزوم تعدیل کنند، تا زمانی که مؤثر بودن تلاش‌هایشان به اثبات می‌رسید و می‌شد آنها را به طور گسترده‌تر به کار برد. احبّاً در پاسخ‌های خود به هدایات مبارک، ایمانی خلل‌ناپذیر به حقیقت کلام الهی، اعتمادی قاطع به بینش و حکمت مصون از خطای آن حضرت، و عزمی جزم برای تقلیب و تحوّل جنبه‌های مختلف حیات خویش بر طبق تعالیم الهی از خود نشان دادند. بدین ترتیب قابلیت برای یادگیری نحوه به کارگرفتن تعالیم مبارکه به تدریج در جامعه پرورش یافت. کارآیی و کفایت این رویکرد با وضوح هر چه بیشتر در اوج دوران ولایت امر هیکل مبارک، یعنی زمانی که عالم بهائی جمعاً قوای خود را برای توفیقات بی‌سابقه جهاد کبیر اکبر، نقشه روحانی ده‌ساله، تجهیز نمود نشان داده شد.

تلاش‌های حضرت شوقی افندی برای قرار دادن احبّاً در یک مسیر یادگیری، بعد از صعود مبارک تحت هدایات بیت العدل اعظم ادامه یافت. در سال‌های پایانی قرن اول عصر تکوین، جنبه‌های ضروری یک فرایند یادگیری که در آغاز آن قرن در حالتی نوپا بود، در سراسر جهان توسط بهائیان آگاهانه درک شد و به نحوی سیستماتیک در همه مجهوداتشان به اجرا درآمد.

امروزه جامعه بهائی به شیوه‌ای از عملکرد مخصّص است که مشخصه آن مطالعه، مشورت، عمل و تأمل است. این جامعه مستمراً قابلیت خود را برای به کارگیری تعالیم امر مبارک در فضاهای اجتماعی گوناگون و برای

هم کاری با کسانی در اجتماع بزرگ که مشتاق به احیای اساس مادی و روحانی نظم اجتماعی هستند افزایش می‌دهد. در عرصهٔ تقلیب‌کنندهٔ این فضاها، افراد و جوامع تا حد امکان عاملین فعال رشد و پیشرفت خود می‌گردند، پذیرش وحدت نوع بشرزنگ تعصب و بیگانگی را می‌زداید، بُعد روحانی حیات انسانی با تمسک به اصول و با تقویت خصیصهٔ نیایش و عبادت جامعه پرورش می‌یابد، و قابلیت یادگیری توسعه یافته در راه تقلیب فردی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود. تلاش برای درک مفاهیم و مقتضیات آنچه حضرت بهاءالله نازل فرموده و برای به کارگیری علاج شفابخش آن منجی امم اکنون واضح تر و مصمم تر گشته، و بخشی دائمی از فرهنگ بهائی شده است. درک آگاهانه و گسترش جهانی فرایند یادگیری، از سطح مردمی تا عرصهٔ بین‌المللی، از بهترین ثمرات قرن اول عصر تکوین است. با رویارویی عالم بهائی با چالش‌های بزرگ‌تر و عظیم‌تر و با متجلی ساختن هر چه بیشتر نیروی اجتماع‌سازی امر مبارک، این فرایند یادگیری به نحو فزاینده‌ای الهام‌بخش مؤسسات، جوامع، و افراد در سال‌های آینده خواهد بود.

حضرت شوقی افندی در تلاش‌های خود در راه کمک به افزایش درک احبّا در مورد رشد و توسعهٔ امرالله و مسئولیت‌های مربوطه‌شان، چنین می‌فرماید ”دعای قلبی و مستمرّ این عبد آنست که اعضای این جامعهٔ جهان‌شمول، زنده و متحد، که از تأثیرات قوای سه‌گانهٔ منبعثه از لوح مبارک کرمل نازله از یراعهٔ مقدسهٔ حضرت بهاءالله، و الواح مبارکهٔ وصایا و الواح نقشهٔ ملکوتی صادره از کلک مطهر مرکز میثاق الهی به حرکت و فعالیت درآمده‌اند روز به روز به قوتی جدید و فتوحاتی بدیع نائل گردند. این سه اثر سه منشوری است که سه فرایند مشخص را به جریان انداخته است: منشور اول عامل توسعهٔ مؤسسات امری در مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس است، و دو منشور دیگر عامل نشر نفحات الله و استقرار نظم اداری امرالله در سرتاسر بقیهٔ عالم بهائی.“ (ترجمه) فرایندهای مرتبط با هر یک از این سه منشور الهی به هم وابسته و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. نظم اداری وسیلهٔ اصلی اجرای نقشهٔ ملکوتی است در حالی که نقشهٔ ملکوتی قوی‌ترین عامل برای رشد و توسعهٔ ساختار نظم اداری امرالله است. پیشرفت‌ها در مرکز جهانی، قلب و مرکز نظم اداری، تأثیری بارز بر پیکر جامعهٔ جهانی دارد و به نوبهٔ خود تحت تأثیر پویایی آن جامعه می‌باشد. با تلاش افراد، جوامع و مؤسسات برای به عمل رساندن حقایق امر حضرت بهاءالله، عالم بهائی به نحو ارگانیک دائماً تکامل و توسعه می‌یابد. حال در پایان قرن اول عصر تکوین، عالم بهائی قادر است مفاهیم مکنونه در این منشورهای جاودانی را برای رشد و توسعهٔ امرالله به نحو کامل‌تری درک نماید. و چون درک خود را از فرایندی که به آن مشغول است افزایش داده، می‌تواند تجارب خود در طی قرن گذشته را بهتر ارزیابی کند و برای نیل به مقصد حضرت بهاءالله برای نوع بشر، در دهه‌ها و قرن‌های آینده به نحو مؤثرتری عمل نماید.

## تداوم عهد و میثاق

به منظور حفظ وحدت امر اعظمش، و حفظ اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش، و تضمین پیشرفت تمامی نوع بشر، حضرت بهاء‌الله عهد و میثاقی با پیروان خود بستند که به لحاظ قاطعیّت و ماهیّت صریح و جامعش در تاریخ ادیان بی‌نظیر است. در کتاب مستطاب اقدس و در کتاب عهدی و نیز در سایر الواح، حضرت بهاء‌الله مقرر فرمودند که بعد از صعود مبارک، احبّاً برای هدایت امور امرالله می‌باید به حضرت عبدالبهاء، مرکز آن عهد و میثاق، توجّه نمایند. حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا با وضع تمهیداتی برای نظم اداری که در آثار حضرت بهاء‌الله مقرر گشته به عهد و میثاق تداوم بخشیدند تا بدان وسیله استمرار مرجعیّت و رهبری از طریق دو مؤسسه لاینفک ولایت امرالله و بیت العدل اعظم و نیز رابطه‌ای سلیم بین افراد و مؤسّسات امرالهی تضمین شود.

تاریخ به وفور نشان داده است که دین می‌تواند یا وسیله‌ای قدرت‌مند برای هم‌کاری در جهت پیشبرد تمدّن قرار گیرد یا سرچشمه‌ای باشد برای اختلاف با صدماتی بی‌شمار. قوه وحدت‌بخش و تمدّن‌آفرین دین هنگامی رو به زوال می‌رود که پیروان در باره معنا و به‌کارگیری تعالیم الهی اختلاف نظر پیدا می‌کنند و جامعه مؤمنین نهایتاً به فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی متخاصم تقسیم می‌شود. هدف از ظهور حضرت بهاء‌الله تأسیس وحدت عالم انسانی و اتّحاد همه اقوام است و این آخرین و عالی‌ترین مرحله در تکامل اجتماع، قابل حصول نخواهد بود اگر آیین بهائی مانند ادیان گذشته به بیماری فرقه‌گرایی و تضعیف پیام الهی مبتلا گردد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که ”بهایان ... اگر در نقطه‌ئی اجتماع نکنند چگونه سبب وحدت عالم انسانی شوند“. و نیز تأکید می‌نمایند ”الیوم قوه محرکه عالم وجود قوه پیمانست که مانند شریان در جسم امکان نابض است و سبب محافظه وحدت بهائی“.

مهم‌ترین توفیقات قرن گذشته پیروزی عهد و میثاق است که هم امرالله را از انشقاق محافظت نمود و هم محرک آن به سوی استقبال و توان‌دهی همه مردم و ملل بود. پرسش مهمّ که به فرموده حضرت بهاء‌الله در کنه مفهوم دیانت است — ”بأی شیء تشدّ عروة دینک و حبل طاعتک“<sup>۲</sup> — برای کسانی که حضرتش را مظهر ظهور الهی برای این دور مقدّس می‌دانند اهمیّت حیاتی و نوینی پیدا می‌کند. این پرسش، دعوتی است به ثبات بر عهد و میثاق الهی. پاسخ جامعه بهائی به این پرسش تمسک تام به تمهیدات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بوده است. برخلاف روابط متکی بر قدرت دنیوی که نهاد حاکمه شخص را وادار به اطاعت می‌کند، رابطه میان مظهر ظهور الهی و مؤمنین و همچنین رابطه میان مرجع منصوب عهد و میثاق و جامعه، استوار بر درک و دانش آگاهانه و عشق و محبّت است. با ایمان به حضرت بهاء‌الله هر فرد مؤمن به صرافت طبع، با وجدان آزاد و به خاطر عشق به آن حضرت در ثبوت بر عهد و میثاق الهی و تمسک به الزامات آن راسخ و مستقیم می‌ماند. در پایان قرن اول عصر تکوین، عالم بهائی به درکی کامل‌تر از تمهیدات عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله و عمل به آن نائل آمده و بین مؤمنین

<sup>۲</sup> مضمون بیان: به چه چیز حبل دین و ایمان خود را محکم می‌کنی؟

مجموعه‌ای از روابط هدف‌مند برقرار گشته که هم‌شان را در انجام رسالت مقدسی که بر عهده دارند متحد و هماهنگ ساخته و به آن جهت داده است. این دست‌آورد نیز همچون دست‌آورد های بی‌شمار دیگر حاصل پیروزی بر بحران‌ها بود.

وجود عهد و میثاق بدین معنا نیست که هرگز کسی سعی نخواهد کرد که در امر الله تفرقه بیفکند، به آن صدمه بزند و یا پیشرفت آن را به تعویق بیندازد. بلکه بدین معنی است که جمیع چنین مساعی محتوم به شکست است. پس از صعود حضرت بهاء الله چند نفس پرهوس از جمله برادران حضرت عبدالبهاء قصد بر غصب مرجعیتی نمودند که حضرت بهاء الله به حضرت عبدالبهاء اعطا فرموده بودند و بذر شک و تردید در جامعه افشاندند، متزلزلان را به ورطه امتحان کشاندند و برخی را گم‌راه کردند. حضرت شوقی افندی در دوران ولایت خود نه فقط از سوی افرادی که عهد و میثاق را نقض کرده و به عداوت با حضرت عبدالبهاء پرداخته بودند بلکه از سوی برخی افراد در داخل جامعه که نظم اداری را از درجه اعتبار ساقط شمرده و مرجعیت ولایت امر را زیر سؤال می‌بردند نیز مورد حمله قرار گرفتند. سال‌ها بعد، با صعود حضرت ولی‌امر الله حمله جدیدی به عهد و میثاق صورت گرفت، زمانی که فردی به غایت گم‌راه علی‌رغم سالیان متمادی خدمت به عنوان ایادی امر الله کوشش بی‌اساس و باطلی نمود و با وجود شروط واضحی که در الواح وصایا مقرر شده، مدعی مقام ولایت برای خود شد. پس از انتخاب بیت العدل اعظم، آن مرجع نیز هدف حملات مخالفین پرتقلای امر الله قرار گرفت. در دهه‌های اخیر، افراد معدودی از درون جامعه که خود را مطلع تر از دیگران جلوه می‌دادند بیهوده قصد تفسیر تعالیم بهائی مربوط به تمهیدات عهد و میثاق نمودند تا در مرجعیت بیت العدل اعظم شک و شبهه ایجاد نمایند و مدعی برخی امتیازات گردند، امتیازاتی که در غیاب ولی‌امر، آنان را قادر به هدایت امور امر الله در جهت دل‌خواه خودشان کند.

بنا بر این در طی یک قرن، عهد و میثاقی که توسط حضرت بهاء الله تأسیس گشت و توسط حضرت عبدالبهاء تداوم یافت به طرق مختلفه مورد حمله معارضین از داخل و خارج قرار گرفت اما در نهایت آسیبی بدان وارد نگشت. در عین حال، هر وقت برخی افراد گم‌راه و یا متزلزل شدند، این حملات موفق به انحراف امر مبارک یا ابداع تعریف جدیدی از آن و یا ایجاد رخنه دائمی در جامعه نشد. در هر مورد با مراجعه و توجه به مرجع منصوص وقت — حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی‌امر الله و یا بیت العدل اعظم — مسائل پاسخ داده شد و مشکلات حل گشت. با افزایش درک جمع مؤمنین از عهد و میثاق و ثبوت بر پیمان، آنان آموختند که تحت تأثیر انواع حملات و شبهاتی که در قبل مقصد و موجودیت امر الله را به مخاطره می‌انداخت قرار نگیرند. یک پارچگی امر الهی برای همیشه محفوظ است.

هر نسلی از بهائیان هر چقدر هم که بصیرت روحانی‌شان عمیق باشد به سبب محدودیت‌های شرایط تاریخی خود و مرحله خاص توسعه ارگانیک امر الهی ناگزیر درکی محدود از تمامی مقتضیات تعالیم



حضرت بهاءالله خواهد داشت. به عنوان مثال، در عصر رسولي امر مبارک، مؤمنین مجبور بودند راه خود را از میان آنچه یقیناً در بعضی اوقات به عنوان یک سری تحولات آشفته و انقلابی مراحل انتقال از دور حضرت اعلی به دور حضرت بهاءالله و سپس به دوران قیادت حضرت عبدالبهاء تجربه می شد بیابند، ولی اکنون وقتی که به گذشته نگاه می کنیم و با استفاضه از انوار تبیینات حضرت شوقی افندی، همگی آن وقایع به آسانی چون بخش های متوالی یک حماسه الهی درک می شود. به همین نحو امروز هم با گذشت یک قرن کامل از مجهودات خستگی ناپذیر جامعه در طول قرن اول عصر تکوین، این امکان وجود دارد که به درک کامل تری از اهمیت، مقصد و عصمت عهد و میثاق الهی، آن میراث گران بهای حضرت بهاءالله به بندگانش، دست یابیم. درک حاصله از ماهیت عهد و میثاق که با دشواری های فراوانی به دست آمده است و پایداری و ثباتی که ماحصل چنین بصیرت هایی است برای حفظ اتحاد و پیشرفت در تمام دور بهائی ضروری خواهد بود.

اکنون واضح و آشکار و قطعاً مسجل است که عهد و میثاق حضرت بهاءالله شامل دو مرجع منصوص است. مرجع اول "کتاب" یعنی نصوص مبارکه حضرت بهاءالله همراه با مجموعه آثار حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی است که تبیینات موثق و توضیحات کلام خلاق الهی را در بر دارد. با صعود حضرت شوقی افندی این مرجع که بیش از یک قرن امتداد یافته بود به پایان رسید اما وجود "کتاب" اطمینان می بخشد که آثار منزله، منزله از سوء تعبیرات یا اضافات افراد در دسترس آحاد مؤمنین و به راستی در دسترس تمامی نوع بشر قرار می گیرد.

مرجع دوم، بیت العدل اعظم است که همانطور که در آثار مبارکه تصریح شده مرجعی است در تحت صیانت و عصمت فائض از جمال ابهی و حضرت اعلی. حضرت عبدالبهاء می فرمایند "همچه ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهند" و تشریح فرمودند که "استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت و قایت و حمایت و صیانت جمال قدم است"، حضرت بهاءالله می فرمایند "انه یلهمهم ما یشاء"<sup>۳</sup>. و حضرت شوقی افندی می فرمایند "پس آنانند که مشمول وصول هدایت الهیه ای هستند که سبب حیات و کافل صیانت حتمی شریعت الله است، نه نفوسی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم آنان را انتخاب می نمایند." (ترجمه)

اختیارات و وظایفی که به بیت العدل اعظم اعطا شده است کلیه الزامات برای تضمین تحقق مقصد حضرت بهاءالله برای نوع بشر را شامل می شود. بیش از نیم قرن، عالم بهائی از نزدیک شاهد گستره و تجلی این وظایف بوده است از جمله اشاعه حدود و احکام الهی، حفاظت و انتشار آثار مقدسه بهائی، استقرار نظم اداری و تأسیس مؤسسات جدید، طراحی مراحل متوالی بسط و گسترش نقشه منیع ملکوتی، صیانت امر الله و حفظ وحدت آن، و همچنین تلاش به منظور حفظ شرافت انسانی، ترقی عالم انسانی، و تنویر افکار مردم جهان. تشریحات

<sup>۳</sup> مضمون بیان: خداوند آنچه را اراده نماید به آنان الهام خواهد کرد.

بیت العدل اعظم حلال جميع مسائل غامض، معضلات مبهم، مشکلاتی که موجب اختلاف گشته و مسائل غیر منصوصه در کتاب الهی است. بیت العدل اعظم در طول دور بهائی بنا بر مقتضیات زمان هدایات لازم را ارائه خواهد کرد تا تضمین نماید که امر مبارک همانند یک موجود زنده، قادر به تطبیق پذیری با نیازها و مستلزمات یک اجتماع دائم التَّغییر است. این مرجع تضمین می نماید که هیچ فردی نخواهد توانست ماهیت پیام حضرت بهاءالله را تغییر دهد یا ویژگی های اساسی امر الهی را تبدیل نماید.

حضرت بهاءالله در کتاب ایقان می فرمایند "حال کدام ضیق و تنگی است که ازید از مراتب مذکوره باشد که اگر نفسی طلب حقی و یا معرفتی بخواهد نماید نمیداند نزد کدام رود و از که جویا شود". جهانی که اکثراً از نور ظهور حضرت بهاءالله غافل است، در مسائل مربوط به پی بردن به حقیقت، اخلاقیات، هویت و مقصد، به نحو فزاینده ای سرگردان و متفرق و از اثرات شتابنده و فرساینده نیروهای تجزیه کننده آشفته است. اما برای جامعه بهائی عهد و میثاق مأخذی است روشن گر و مأمینی است امین، مصدر آزادی است و منبع توان مندی. هر مؤمنی می تواند در بحر امر اعظم ظهور حضرت بهاءالله تفحص نموده به استنتاجات شخصی خود برسد و بینش های خود را با فروتنی با دیگران در میان بگذارد و روز به روز برای به کارگیری تعالیم مبارک بکوشد. مساعی جمعی از طریق مشورت و هدایات مؤسسات هماهنگ و متمرکز می شود و این امر موجب تقلیب پیوندها بین افراد، در خانواده ها و در میان جوامع شده پیشرفت اجتماعی را ترویج می دهد.

به قوه عشق جمال مبارک و با اطمینان حاصله از فرامین صریحه اش، افراد، جوامع و مؤسسات هدایات لازم برای بسط و گسترش امر الله و حفظ اصالت تعالیم را در دو مرجع منصوص عهد و میثاق می یابند. بدین طریق، عهد و میثاق حافظ و حارس فرایند گفتگو و یادگیری در باره معانی آثار الهی و اجرای تجویزاتش برای نوع انسان در طول دور بهائی می باشد و از تأثیرات مضر اختلافات بی پایان در باره معنی و کاربرد تعالیم جلوگیری می کند. در نتیجه، توازن روابط بین افراد، جوامع و مؤسسات حفظ می شود و در مسیر صحیح خود رشد می یابد و در عین حال، این امکان برای هر کدام فراهم می گردد که به کلیه استعدادهای بالقوه خویش دست یافته از اختیارات و امتیازات خود استفاده کند. بدین ترتیب جامعه بهائی می تواند با بررسی واقعیت، تولید دانش، توسعه مجهوداتش، و مشارکت در پیشبرد مدنیت، به نحو فزاینده ای متحداً ترقی نماید و هدف حیاتی خود را تحقق بخشد. پس از گذشت بیش از یک قرن، حقیقت بیان حضرت عبدالهه که می فرمایند "محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس" بیش از پیش آشکار است.

بسط و گسترش نظم اداری

الواح وصایای حضرت عبدالهه علاوه بر تداوم عهد و میثاق، اساس یکی دیگر از مهم ترین توفیقات قرن اول عصر تکوین را بنیان نهاد: تأسیس و توسعه نظم اداری، ولید میثاق. طی فقط یک قرن، نظم اداری که با

تمرکز بر ایجاد مؤسّسات انتخابی آغاز شد، از نظر وسعت و پیچیدگی رشد کرد و در سراسر جهان گسترش یافت تا اینکه همهٔ مردمان، کشورها و مناطق را به هم متصل کرد. آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء که بنیان‌گذار این مؤسّسات بوده‌اند اهداف و اختیارات روحانی لازم را نیز برای این مؤسّسات تعیین نموده‌اند تا نوع بشر را در بنای جهانی صلح‌دوست و عدالت‌پرور یاری دهد.

حضرت بهاءالله از طریق نظم اداری امر اعظمش، افراد، جوامع، و مؤسّسات را به عنوان عاملین فعال در یک سیستم بی سابقه به هم مرتبط ساخته‌اند. برحسب نیازهای عصر بلوغ نوع بشر، آن حضرت سنت تاریخی متداولی را که طبقهٔ روحانیون زمام‌دار مرجعیّت دینی بوده به جامعهٔ مؤمنین امر و نهی می‌کرد، و امور جامعه را هدایت می‌نمود، منسوخ نمودند. آن حضرت برای جلوگیری از درگیری مکتب‌های فکری رقیب، اسباب هم‌کاری برای یافتن حقیقت و پی‌گیری سعادت بشری را مهیا نمودند. به جای تلاش برای کسب قدرت و تسلط بر دیگران، ایشان ترتیباتی را منظور داشتند که قوای نهفته در فرد و ابراز آن را در راه خدمت به رفاه همگانی پرورش می‌دهد. در عین حال که امانت، صداقت، حسن رفتار، بردباری، محبّت و اتحاد از جمله صفات روحانی است که اساس ارتباط بین سه عامل فعال در یک روش جدید زندگی را تشکیل می‌دهد، جمیع تلاش‌ها برای پیشرفت اجتماعی با بینشی که حضرت بهاءالله برای ایجاد وحدت عالم انسانی ارائه فرموده‌اند شکل می‌گیرد.

در زمان صعود حضرت عبدالبهاء، مؤسّسات امری متشکّل از تعدادی قلیل از محافل محلی بود که با عملکردهای متفاوت انجام وظیفه می‌نمودند. فقط تعداد انگشت‌شماری از نهادها فراتر از سطح محلی فعالیت می‌کردند و هیچ محفل روحانی ملی وجود نداشت. حضرت بهاءالله چهار نفر را در ایران به عنوان ایادی امرالله منصوب فرموده بودند و حضرت عبدالبهاء فعالیت‌های آنان را برای پیشرفت و صیانت امرالله هدایت فرمودند اما بر تعدادشان، به غیر از انتصاب چهار نفر بعد از صعود آن نفوس، نیفزودند. بدین ترتیب تا آن زمان اگرچه امر حضرت بهاءالله از نظر استعداد و قوای روحانی غنی بود، هنوز یک نظم اداری را تشکیل نداده بود که قادر به تنظیم مجهوداتش باشد.

در نخستین ماه‌های ولایت خود، حضرت شوقی افندی در نظر داشتند که بلافاصله بیت العدل اعظم را تأسیس نمایند. اما پس از بررسی وضعیّت امرالله در سراسر عالم، آن حضرت سریعاً به این نتیجه رسیدند که شرایط لازم برای تشکیل بیت العدل اعظم هنوز فراهم نبود. هیکل مبارک در عوض، بهایان را در همهٔ نقاط عالم تشویق نمودند تا نیروی خود را بر تشکیل محافل روحانی محلی و ملی متمرکز سازند و فرمودند "اعمدۀ محافل مقدّسهٔ مرکزی اهل بها متدرّجاً براسّ اساس متین و رزین محافل محلیّهٔ روحانیّه در هر کشوری ثابت و استوار گردد و بر این اعمدۀ مجلّله قصر مشید بیت العدل اعظمش مرتفع و منصوب شود".

جهت کمک به احباً برای درک وظایفشان در بنای شالودهٔ جامعهٔ خود، حضرت شوقی افندی تأکید فرمودند که نظم اداری به خودی خود یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای جریان و هدایت روح امرالله است. آن حضرت با تأکید بر خصوصیت ارگانیک نظم اداری بهائی، تشریح می‌فرمایند که نظم اداری بهائی "فقط اولین شکل‌گیری چیزی است که در آینده حیات اجتماعی و قوانین زندگی جامعه خواهد بود" و اینکه "پیروان امرالهی فقط در آغاز استنباط و عملکردی صحیح از آن هستند." (ترجمه) همچنین اشاره می‌فرمایند که نظم اداری "هسته و الگو" (ترجمه) است که سرانجام به نظمی نوین برای ترتیب امور بشری به نحوی که مطابق با دیدگاه حضرت بهاءالله است تبدیل خواهد شد. بدین ترتیب احباً با این درک شروع به بنای نظم اداری نمودند که روابط بین افراد، جوامع، و مؤسسات تحوّل خواهد یافت و پیچیده‌تر خواهد شد و با توسعهٔ امرالله و ایجاد الگوی جدیدی از حیات که بتواند به نحو وسیع تری مردم جهان را در برگیرد، به مرور زمان منتج به رشد قابلیت خواهد شد.

از طریق مکاتبات مداوم، حضرت شوقی افندی احباً را گام به گام در مجهوداتشان هدایت فرمودند تا تعالیم مربوط به نظم اداری را فراگرفته به کارگیرند و درک خود را از مقصد، ضرورت، روش‌ها، ساختار، اصول، انعطاف‌پذیری و نحوهٔ عملکرد آن عمیق‌تر سازند و در عین حال اسّ اساس چنین اموری را در آثار بهائی برای آنان تصریح و تأیید فرمودند. هیکل مبارک آنان را در توسعهٔ فرایند انتخابات بهائی، تأسیس و ادارهٔ صندوق خیریهٔ بهائی، تشکیل کانونشن ملی، ایجاد رابطه بین محافل ملی و محلی، و انبوهی از مسائل دیگر کمک نمودند. آن حضرت شک و تردید کسانی را رفع نمودند که تلاش می‌کردند تا دوام لازم بین فرهنگ و آداب حیات بهائی در زمان حضرت عبدالبهاء و گام‌هایی را که ایشان به عنوان ولی امرالله در جهت استقرار شالودهٔ نظم اداری برای مرحلهٔ بعدی توسعهٔ امرالله برمی‌داشتند درک کنند. در حالی که احباً امور اداری خود را اداره می‌نمودند آن حضرت با صبر و حوصله به سؤالاتشان پاسخ می‌دادند، مشکلات را حل می‌کردند و حیات جمعی جامعهٔ جهانی بهائی را پرورش می‌دادند. به تدریج احباً آموختند که با هماهنگی کارکنند، تصمیمات مؤسسات خود را ارج نهند و از پیشرفت آن مؤسسات حمایت نمایند و متوجه باشند که هم درک و هم قابلیت لازم برای عمل به مرور زمان افزایش می‌یابد. محافل محلی شروع به اقدام بر طبق روش‌های منسجم برای انتخابات، مشورت، امور مالی و ادارهٔ حیات جامعه نمودند. محافل ملی ابتدا در جزایر بریتانیا (British Isles)، آلمان و اتریش (Germany and Austria)، هندوستان و برمه (India and Burma)، مصر و سودان (Egypt and Sudan)، قفقاز (Caucasus)، ترکستان (Turkistán) و ایالات متحدهٔ امریکا و کانادا (the United States and Canada) تشکیل شد. با توجه به ماهیت ارگانیک نظم اداری، محافل ملی غالباً ابتدا در سطح منطقه‌ای تأسیس می‌گشت و بیش از یک کشور را در بر می‌گرفت و سپس با ازدیاد تعداد مؤمنین و محافل محلی، در سطح یک کشور یا سرزمین ایجاد می‌شد. به دنبال این مؤسسات، مجموعه‌ای از لجنات مختلف در سطح محلی و ملی منصوب شدند تا مجهودات جمعی را

در طیف وسیعی از زمینه‌ها از جمله نشر نفعات الله، ترجمه، انتشارات، تعلیم و تربیت، مهاجرت، و تشکیل ضیافات نوزده‌روزه و ایام متبرکه، به پیش برند.

پس از سه دهه که به استقرار نظم اداری در سطوح محلی و ملی اختصاص داده شد، حضرت شوقی افندی در سال‌های پایانی حیات، مرحله جدیدی را در توسعه نظم اداری با ایجاد مؤسساتی در سطوح بین‌المللی و قاره‌ای آغاز نمودند. این مرحله با "استقرار موعود مرکز اداری جهانی امر جمال ابهی در ارض اقدس" (ترجمه) آغاز گردید. آن حضرت در سال ۱۹۵۱ تشکیل شورای بین‌المللی بهائی را اعلان کردند و تشریح فرمودند که این مؤسسه جدید با طی مراحل مختلف آمادگی و با تقلیب و شکوفایی به بیت العدل اعظم تحوّل خواهد یافت.

این پیشرفت چشمگیر به زودی در پایان همان سال، انتصاب دوازده ایادی امر الله توسط حضرت شوقی افندی را به دنبال داشت که به طور مساوی به سه قاره و به ارض اقدس اختصاص داده شدند. این اولین گروه ایادی امر الله بود که بر طبق تمهیدات الواح وصایا باید تعیین می‌شدند. انتصاب این افراد برجسته و شایسته برای پیشبرد امر ترویج و صیانت امر الله بود. وجود مؤسسه‌ای که نقشی این چنین حیاتی را در پیشبرد منافع امر الله ایفا می‌کند، اما دارای هیچگونه اختیارات قانون‌گذاری، اجرایی و یا قضایی نیست و کاملاً فاقد وظایف طبقه روحانیون و یا حقّ ارائه تبیین می‌باشد بنفسه یکی از خصیصه‌های نظم اداری بهائی است که در ادیان گذشته بی نظیر و مثل است. پس از سال‌ها پرورش سیستم محافل منتخب و نهادهای مربوطه آنها، حضرت شوقی افندی شروع به شکل دادن به این مؤسسه منتصب نمودند و احباً را در جهت درک، استقبال و حمایت از وظایف منحصر به فرد آن هدایت فرمودند. در سال ۱۹۵۲ با انتصاب دوّمین گروه ایادی امر الله، عده آنان بر نوزده نفر بالغ گشت. در سال ۱۹۵۴ هیئت‌های معاونت که اعضای آن به عنوان معاونین ایادی خدمت می‌کردند در هر قاره تأسیس شد. حضرت ولی امر الله حتی تا آخرین روزهای حیات مبارک‌شان به گسترش این مؤسسه ادامه دادند و با انتصاب آخرین گروه ایادی، عده آنان را به بیست و هفت نفر رساندند و هیئت معاونت برای صیانت را در مقام مکملی برای هیئت ترویج امر الله تأسیس نمودند.

حضرت شوقی افندی در تأمل بر مجهودات مؤمنین جهت استقرار مؤسسات نوپای اداری، تشریح فرموده بودند که بسیاری از آنچه تحت هدایت ایشان تشکیل شده موقتی است و بیت العدل اعظم است که "وظیفه‌اش تعیین دقیق تر خط مشی‌های کلی است که باید فعالیت‌ها و امور اداری آینده امر الله را هدایت کند." (ترجمه) و در مقامی دیگر مرقوم داشتند که "این معهد اعلی پس از استقرار باید وضع کلی را مجدداً بررسی نماید و اصولی را که در هر زمان برای اداره امور امر الله مقتضی داند مقرر دارد." (ترجمه)

در پی صعود ناگهانی حضرت شوقی افندی در نوامبر ۱۹۵۷، مسئولیت اداره امور امر الله برای مدّت کوتاهی بر عهده حضرات ایادی امر الله قرار گرفت، نفوسی که تنها یک ماه قبل از آن توسط حضرت ولی امر الله به

مقام "حارسان نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله" منصوب شده بودند، نفوسی که "از کِلکِ مصون از خطای مرکز عهد و میثاق الهی مأمور به وظیفه دوگانه حفظ و صیانت، و تضمین ترویج امراب بزرگوارش گشته‌اند." حضرات ایادی امرالله با وفاداری و قاطعیت به مسیری که توسط حضرت ولی امرالله تعیین شده بود، تمسک جستند. تحت حراست آنان، تعداد محافل ملی از بیست و شش به پنجاه و شش افزایش یافت و در سال ۱۹۶۱ مراحلی که حضرت ولی امرالله برای انتقال شورای بین‌المللی بهائی از یک هیئت انتصابی به یک هیئت منتخب تشریح فرموده بودند طی شده و زمینه را برای انتخابات بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ آماده ساخته بود.

شکوفایی ارگانیک نظم اداری که حضرت ولی امرالله آن را با نهایت دقت پرورش داده بودند تحت هدایات بیت العدل اعظم به طور سیستماتیک رشد و توسعه یافت. دوره بیش از نیم قرن بعدی شاهد توفیقات بی شماری بود. از جمله برجسته‌ترین آنها تنظیم قانون اساسی بیت العدل اعظم در سال ۱۹۷۲ است که حضرت ولی امرالله به "ناموس اعظم" از آن ذکر می‌کنند. پس از مشورت با حضرات ایادی امرالله، به منظور تداوم اجرای وظایف مؤسسه ایادی امرالله در آینده، هیئت‌های مشاورین قاره‌ای در سال ۱۹۶۸ و دارالتبلیغ بین‌المللی در سال ۱۹۷۳ تأسیس گردید. علاوه بر آن برای اولین بار اعضای هیئت معاونت مجاز شدند که مساعیدینی را به منظور توسعه خدمات خود برای ترویج و صیانت در سطح محلی منصوب نمایند. تعداد محافل ملی و محلی چندین برابرگشت، توانایی آنها برای خدمت به جامعه بهائی تقویت شد و تأثیر و نفوذشان از طریق مشارکت با اجتماع بزرگ افزایش پیدا کرد. در سال ۱۹۹۷ شوراهای منطقه‌ای بهائی به منظور کمک به رفع پیچیدگی روزافزون مسائلی که محافل روحانی ملی در راستای حفظ توازن میان تمرکززدایی و تمرکزگرایی امور اداری با آن مواجه بودند تأسیس شد. سیستم لجنات تبلیغی که در زمان حضرت ولی امرالله تأسیس شده بود به تدریج جای خود را به ساختارهایی داد که قادر به برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطوحی دور از مرکز، حتی در محله‌ها و دهکده‌ها بود. بیش از سی صد مؤسسه آموزشی، بالغ بر دویست شورای منطقه‌ای و ترتیبات اداری در بیش از پنج هزار محدوده جغرافیایی به وجود آمد. در رضوان ۱۹۹۲ حکم حقوق الله در سراسر عالم بهائی به اجرا درآمد و سپس ساختار تشکیلاتی آن از طریق تأسیس شبکه‌ای از هیئت‌های امنای حقوق الله و نمایندگان در سطح ناحیه‌ای و ملی و نیز با انتصاب هیئت بین‌المللی امناء حقوق الله در سال ۲۰۰۵ تحکیم یافت. پس از صعود حضرت شوقی افندی، بنای مشرق‌الاذکار در اوگاندا (Uganda)، استرالیا (Australia)، آلمان (Germany) و پاناما (Panama) تکمیل شد، و بالمآل مشارق اذکار دیگری در ساموا (Samoa)، هندوستان (India) و شیلی (Chile) مرتفع گردید و در سال ۲۰۱۲ فرایند تأسیس آن معابد به سطح ملی و محلی توسعه یافت.

بنا بر این در طول یک قرن، روابط بین افراد، جوامع و مؤسسات از طریق یک سلسله مراحل توسعه‌ای تدریجاً تکامل یافته و شکل پیچیده‌تری گرفته، بنیان نظم اداری گسترش یافته، روش‌های آن به طور مداوم تعدیل گردیده، طرق هم‌کاری روشن‌تر گشته و مستمراً تلطیف یافته است. آنچه در آغاز قرن اول عصر تکوین به عنوان

شبکه‌ای از هیئت‌های منتخب شروع شد تا پایان همان قرن به یک مجموعه گسترده مؤسسات و نهادها از سطح مردمی تا سطح بین‌المللی تبدیل گردید که عالم بهائی را در فکر و عمل در یک مشروع مشترک در زمینه گسترده‌ای از شرایط فرهنگی و اجتماعی متنوع، متحد ساخته است.

امروز با اینکه نظم اداری هنوز به بلوغ کامل خود نرسیده است، نظمی که با ظهور حضرت بهاء‌الله آغاز شد الگوی جدیدی از تعاملات و پویایی چشمگیر در روابط بین سه عامل فعالی را نشان می‌دهد که در هدف مشترک فعالیت برای توسعه ارگانیک امرالله و اصلاح عالم مشغولند. افراد در معیت هم‌کاران هم‌فکر و در جمع‌های مختلف مطالعه، تأمل و در تعاملات اجتماعی متعدد دیگر، نظرات خود را مطرح می‌نمایند و از طریق فرایند مشورت، بدون اصرار بر رأی خود، طالب حقیقت‌اند. آنان به همراه یکدیگر، قرائتی از واقعیت محیط اطراف داشته، عمق هدایات موجود را در کمال دقت بررسی می‌کنند، از تعالیم و از تجارب اندوخته بهره می‌گیرند، محیط‌های هم‌کاری روح‌افزا به وجود می‌آورند، به قابلیت‌سازی می‌پردازند، و اقداماتی را آغاز می‌کنند که به مرور زمان کارایی و پیچیدگی آن افزایش می‌یابد. آنان سعی می‌کنند بین میادین فعالیتی که در آن فرد می‌تواند به ابتکارات شخصی پردازد و میادینی که تنها به مؤسسات تعلق دارد تفاوت قائل شوند و به دل و جان از هدایات و راهنمایی‌های مؤسسات خود استقبال می‌نمایند. در سراسر محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته و در دهکده‌ها و محله‌هایی که مرکز فعالیت فشرده است، جامعه‌ای با حس هویت، اراده، و مقصد مشترک ظاهر می‌گردد که محیطی برای پرورش قابلیت افراد فراهم می‌کند و آنان را در طیفی از فعالیت‌هایی مکمل و تقویت‌کننده یکدیگر که پذیرای همگان و خواهان تعالی آنان است متحد می‌سازد. چنین جوامعی با حس اتحاد در بین اعضا، عاری بودن از هر نوع تعصب، با خصیصه نیایش و دعا، تمسک بر تساوی زنان و مردان، خدمت به عالم انسانی، با فرایندهای آموزشی و تعلیم فضایل، و قابلیت برای یادگیری سیستماتیک و کمک به ترقی مادی، اجتماعی و روحانی اجتماع به نحو فزاینده‌ای ممتاز می‌شوند. آن اعضای جامعه که به خدمت در مجهودات مؤسسات فراخوانده می‌شوند می‌کوشند تا با آگاهی از وظیفه خود تمایلات شخصی را کنارگذارند، هرگز خود را به عنوان برگزیده امرالله یا برتر از دیگران نشمرند و از هرگونه تلاش برای کنترل افکار و اعمال پیروان امر الهی برحذر باشند. مؤسسات در انجام مسئولیت‌های خود، مبادلات مبتکرانه و مبتنی بر هم‌کاری را بین تمام عناصر جامعه تسهیل می‌کنند و می‌کوشند تا اتفاق نظر برقرار کنند و بر چالش‌ها فایق آیند، سلامت و شور و نشاط روحانی را پرورش دهند و بر حسب تجربیات، مؤثرترین مسیر را برای پیگیری اهداف و مقاصد جامعه تعیین کنند و از طرق مختلف از جمله تأسیس نهادهای آموزشی، مروج پیشرفت روحانی و عقلانی مؤمنین می‌گردند.

در نتیجه این روابط و قابلیت‌های تازه سه عامل فعال، دایره افرادی که قادر به تفکر و عمل مدبرانه می‌باشند وسعت یافته، و در عین حال مساعدت، منابع، تشویق و هدایات مشفقانه هر جا که لازم بوده ارائه شده است. تجربه و بینش از سطح مردمی تا بین‌المللی در سراسر جهان به اشتراک گذاشته می‌شود. الگوی حیات

حاصله از این مشارکت پویا میلیون‌ها نفوس را از همه طبقات شامل می‌شود، نفوسی که دیدگاه حضرت بهاء‌الله برای جهانی متحد، مشوق و محرک آنهاست. این الگو در بسیاری از کشورها، توجه والدین، مربیان، رهبران سنتی، مقامات و رهبران فکری را به قوای نظم اداری حضرت بهاء‌الله در پاسخگویی به نیازهای مبرم جهانی جلب نموده است. طبیعتاً همه جوامع محلی نمایان‌گر ویژگی‌های پیشرفته‌ترین جوامع نیستند و در حقیقت در تاریخ دیانت بهائی همواره چنین بوده است. با وجود این، بروز قابلیت‌های جدید در هر مکان حاکی از پیشرفتی مشهود است و نوید می‌دهد که دیگران نیز این مسیر را دنبال خواهند کرد.

طی عهود و قرون آینده، نظم اداری به تکامل ارگانیکی خود برحسب رشد امرالله و مقتضیات اجتماع که در حال تغییر و تحول است ادامه خواهد داد. حضرت شوقی افندی پیش‌بینی فرموده‌اند که "هنگامی که اجزای تشکیل‌دهنده و مؤسسات ارگانیکی آن با قدرت و کفایت شروع به کار کنند،" نظم اداری "تصریح دعوی خود نماید و قابلیت خود را نه فقط به عنوان هسته مرکزی بلکه در مقام الگوی موثق نظم جدید جهانی نشان خواهد داد، نظمی که مقدر است در میقات معین تمامی جامعه بشری را در برگیرد." (ترجمه) بدین ترتیب متبلور شدن نظم حضرت بهاء‌الله سبب خواهد شد تا طرق نوین و سازنده‌تری برای سازمان‌دهی امور نوع بشر ارائه گردد. در طی این تکامل ارگانیکی، روابط بین افراد، جوامع و مؤسسات در جهت‌های جدید و گاهی در مسیرهای غیرمنتظره بسط و گسترش خواهد یافت. اما صون و حمایت مستمر پروردگار که شامل بیت العدل اعظم است تضمین خواهد نمود که عالم بهائی از میان تلاطمات مهلک‌ترین دوره تکامل اجتماعی نوع بشر، بدون انحراف از صراطی که حی قیوم تعیین کرده عبور کند.

توسعه و گسترش امر مبارک در سراسر جهان

از بدو ظهور امرالله، جامعه دست‌پرورده حضرت بهاء‌الله با وجودی که پیروان معدودی داشت و از لحاظ جغرافیایی محدود بود توسط تعالیم والای آن حضرت تحرک و انگیزه یافت تا قیام نموده آن تعالیم را به صرافت طبع با همه کسانی که به دنبال یک مسیر روحانی برای تقلیب فردی و اجتماعی بودند به اشتراک گذارد. با گذشت زمان، احباً آموختند چگونه برای تعالی روح انسانی با افراد و سازمان‌های هم‌فکر از نزدیک هم‌کاری کنند و در اصلاح خانواده، جامعه، و کل اجتماع مشارکت نمایند. آمادگی روحانی برای پذیرش پیام حضرت بهاء‌الله در هر سرزمینی مشاهده شد و با تلاش‌های خالصانه و فداکارانه نسل‌های متوالی، جوامع بهائی در اقصی نقاط جهان در شهرها و دهکده‌ها به وجود آمد تا نژادهای متنوع نوع بشر را در برگیرد.

امر الهی در عهد اعلی در دو کشور مستقر گردید. در زمان حضرت بهاء‌الله جمعاً به پانزده کشور گسترش یافت و در انتهای قیادت حضرت عبدالبهاء به سی و پنج کشور رسیده بود. در طی سال‌های پرتلاطم جنگ جهانی، حضرت عبدالبهاء یکی از ارزشمندترین میراث‌های خود یعنی الواح نقشه ملکوتی را که طرح عظیم هیکل



مبارک برای تنویر روحانی کرهٔ ارض از طریق انتشار تعالیم حضرت بهاءالله بود صادر فرمودند. این منشور دعوتی بود برای مجهودات جمعی و روش مند، اما این دستورالعمل تا زمان صعود آن حضرت به ندرت در افکار و اعمال جامعهٔ بهائی رسوخ نموده بود و تنها معدودی از قهرمانان فوق العادهٔ آیین الهی که بارزترین آنان میس مارثاروت (Martha Root) بود به اجابت این دعوت قیام نموده بودند.

اجرای نقشهٔ ملکوتی صادره از قلم حضرت عبدالبهاء به مدت بیست سال در بوتهٔ تعویق ماند تا زمانی که احباً با هدایات حضرت شوقی افندی توانستند تشکیلات اداری امرالله را تأسیس و عملکرد صحیح آن را ترویج نمایند. هنگامی که ساختار اولیهٔ نظم اداری استحکام یافت، این امکان فراهم شد که حضرت ولی امرالله دیدگاهی از بسط و گسترش امرالله را بر مبنای نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء به روشنی بیان نمایند. در حالی که نظم اداری با گذر از مراحل مشخص از پیچیدگی‌های فزاینده تکامل می‌یافت، تلاش برای ارائه و به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله نیز به طور ارگانیک تکامل می‌یافت و منجر به پیدایش الگوهای جدید از حیات جامعه می‌گردید که می‌توانست تعداد دائم التزایدی از افراد را در برگیرد، احباً را برای مقابله با چالش‌های بزرگ‌تری آماده سازد و تقلیب و تحوّل فردی و اجتماعی را پیش برد.

برای آغاز این مجهود سیستماتیک، حضرت ولی امرالله از جامعهٔ بهائی ایالات متحدهٔ آمریکا و کانادا که دریافت‌کنندگان برگزیدهٔ نقشهٔ ملکوتی بودند و آن حضرت آنان را به ترتیب مجریان اصلی نقشهٔ ملکوتی و یاوران آنها خطاب نموده بودند خواستند که "نقشه‌ای دقیق و متین" طرح کنند که می‌باید "با جدّیت تعقیب شود و مستمراً توسعه یابد." (ترجمه) نتیجهٔ این دعوت، آغاز اولین نقشهٔ هفت‌ساله در سال ۱۹۳۷ بود که تعالیم حضرت بهاءالله را به امریکای لاتین (Latin America) رسانید و در پی آن نقشهٔ هفت‌سالهٔ دوم در سال ۱۹۴۶ شروع شد که تمرکزش بر توسعهٔ امرالله در اروپا بود. حضرت ولی امرالله به همان نحو جوامع ملّی دیگری را به اقدامات برای ترویج امرالله تشویق فرمودند و این جوامع متعاقباً تحت نظارت دقیق هیکل مبارک نقشه‌های ملّی خود را طرح نمودند. محفل ملّی هندوستان و برمه (India and Burma) اولین نقشهٔ خود را در سال ۱۹۳۸، جزایر بریتانیا (British Isles) در سال ۱۹۴۴، ایران در سال ۱۹۴۶، استرالیا و نیوزیلند (Australia and New Zealand) در سال ۱۹۴۷، عراق (Iraq) در سال ۱۹۴۷، کانادا (Canada) و مصر و سودان (Egypt and Sudan) و آلمان و اطریش (Germany and Austria) در سال ۱۹۴۸، و امریکای مرکزی (Central America) در سال ۱۹۵۲ نقشه‌های خود را طرح نمودند. هر یک از این نقشه‌ها از یک الگوی اساسی تبعیت می‌نمود: ترویج امرالله، تشکیل محفل محلی و تأسیس جامعهٔ محلی، و ورود امر به نقاط جدید در داخل کشور یا در سرزمینی دیگر و سپس تکرار همان الگو. وقتی در یک کشور یا یک اقلیم شالودهٔ استواری بنا می‌گشت محفل ملّی جدیدی تأسیس می‌گردید.

طی این سال‌ها حضرت ولی‌امرالله مستمراً احباً را به انجام وظیفه خود در ترویج امرالله در چارچوب نقشه طرح شده محافل ملی تشویق می‌فرمودند. با گذشت زمان، ثابت شد که در بعضی نقاط روش‌هایی مانند مهاجرت، سفرهای تبلیغی، بیوت تبلیغی، مدارس تابستانه و مشارکت در فعالیت‌های سازمان‌های هم‌فکر مؤثر واقع شده است، لذا آن حضرت احبای نقاط دیگر جهان را به اتخاذ این روش‌ها ترغیب می‌نمودند. مجهودات ترویج همراه با تأکید بر لزوم تحکیم جامعه بود تا هویت و خصوصیت آیین بهائی به عنوان یک جامعه دینی مستقل تحکیم گردد. این فرایند تقلیب‌کننده توسط حضرت ولی‌امرالله به دقت پرورش یافت. هیکل مبارک تاریخ امرالله را برای مؤمنین تشریح کرده، استفاده از تقویم بهائی را تسهیل نموده و شرکت مرتب در ضیافات نوزده‌روزه و برگزاری جلسات ایام متبرکه را تأکید فرمودند و صبورانه آنان را در مسیر اطاعت از احکام بهائی مانند تمهیدات ازدواج بهائی هدایت نمودند تا آنکه امر الهی به تدریج در مقام دیانتی جهانی پدیدار گشت و جایگاه خود را در میان ادیان دیگر احراز نمود.

هم‌گام با تأسیس مؤسسات بین‌المللی، مجهودات جمعی امر الهی در میدان نشر نفعات الله نیز وارد عرصه هم‌کاری بین‌المللی شد. در سال ۱۹۵۱ پنج جامعه ملی در اجرای مشروع "نویدبخش" و "بسیار مهم" (ترجمه) پروژه آفریقا به منظور بسط و گسترش امر الهی در آن قاره با یکدیگر هم‌کاری نمودند. در سال ۱۹۵۳ نقشه روحانی ده‌ساله آغاز شد و برای اولین بار تلاش‌های جمیع دوازده محفل ملی موجود را در یک نقشه جهانی وحدت عمل بخشید. در این مرحله درخشان از دوران ولایت حضرت ولی‌امرالله، شبکه هیئت‌های اداری که احباً تأسیس نموده بودند و روش‌های مؤثری که برای ترویج و تحکیم جوامع مورد استفاده قرار گرفته بود در یک مشروع روحانی جمعی که نظیر آن را جامعه بهائی هرگز مشاهده ننموده بود به کار برده شد.

احباً با سفرهای‌شان به اطراف و اکناف عالم به منظور نشر نفعات آیین نازنین آمادگی روحانی فوق‌العاده‌ای را برای پذیرش اصول و تعالیم مبارکه در میان مردمان گوناگون یافتند. این مردمان در شریعت حضرت بهاء‌الله معنی و هدف عمیق‌تری برای زندگی خود و نیز بینش‌های جدیدی را کشف نمودند که جوامع آنان را قادر می‌ساخت تا بر چالش‌ها فایق آمده در حیات مادی و روحانی و اجتماعی خود ترقی نمایند. پرتوانوار یزدانی که در ابتدا تدریجاً از فردی به فرد دیگر منتقل می‌گشت به سرعت شروع به انتشار در میان توده‌های وسیع نوع بشر نمود. بشارت پدیده دخول افواج که توسط حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی شده بود با تسجیل صدها تن از مقبلین در اوگاندا (Uganda)، گامبیا (Gambia)، و جزایر گیلبرت و الیس (Gilbert and Ellice Islands) و سپس در اندونزی (Indonesia) و کامرون (Cameroon) ظاهر و محقق گردید. قبل از پایان آن نقشه، این فرایند در تعدادی از کشورهای دیگر نیز شروع شده بود و تعداد افرادی که امر مبارک را با آغوش باز پذیرفتند به ده‌ها هزار بلکه بیشتر بالغ گشت.

بعد از صعود حضرت شوقی افندی، ایادیان امرالله مسیری را که آن حضرت مشخص نموده بودند دقیقاً دنبال کرده اتمام موقیّت آمیز نقشه روحانی دهساله را تضمین نمودند. با به کار بردن درس های آموخته شده تحت هدایات حضرت ولی امرالله دست آوردهای حاصله در نشر نفعات الله در طول یک دهه، از توفیقات حاصله در قرن پیشین فراتر رفت. امر مبارک به ۱۳۱ مملکت و سرزمین جدید انتشار یافت و تعداد نقاطی که بهائیان در آن ساکن بودند از یازده هزار تجاوز نمود و تعداد محافل ملی جمعاً به پنجاه و شش و محافل محلی به بیش از ۳۵۰۰ بالغ گردید. با انتخاب بیت العدل اعظم توسط اعضای آن محافل ملی بر طبق تمهیدات حضرت عبدالبهاء این مشروع روحانی به نتیجه نهایی رسید.

بیت العدل اعظم بعد از تأسیس، اجرای سیستماتیک نقشه ملکوتی را ادامه داد و با گسترش تدریجی و افزایش دامنه فعالیت هایی که توسط حضرت ولی امرالله به جریان افتاده بود عهد دوم آن نقشه را آغاز نمود، جنبه های مختلف کار را بسط داد و یا به آن اضافه کرد و اقدامات همه محافل ملی را هماهنگ و متحد نمود. از جمله مواردی که لزوم تأکید بر آن آشکار گردید یا مورد توجه بیشتری قرار گرفت، مشارکت عمومی افراد در خدمت به امر مبارک و افزایش درک عمیق تر آنان از احکام و تعالیم بود. به علاوه، فرایند تحکیم و تقویت مؤسسات امری برهم کاری بین هیئت های جدید التأسیس مشاورین قاره ای و محافل ملی و همچنین هم کاری بین اعضای هیئت معاونت و محافل محلی تأکید نمود. حیات جامعه با تمرکز بر کلاس های کودکان، ارائه فعالیت هایی برای جوانان و زنان و تشکیل مرتب جلسات محافل روحانی غنی تر شد. ابتکارات دیگر شامل اعلان وسیع عمومی امر مبارک و ترویج آن از طریق رسانه ها، توسعه مراکز یادگیری از جمله مدارس تابستانه و مؤسسات آموزشی برای نشر نفعات الله، مشارکت بیشتر در حیات اجتماع، و ترویج دانش پژوهی بهائی بود.

در نتیجه تمامی این تلاش ها، گستره امر مبارک در دهه ۱۹۹۰ به ده ها هزار نقطه رسیده بود و تعداد محافل ملی به حدود ۱۸۰، یعنی به بیش از سه برابر بالغ شد. در این مدت توسعه جوامع ملی از دو الگوی کلی تبعیت می کرد که عمدتاً بستگی زیادی به استقبال عموم مردم داشت. الگوی اول شامل جوامع محلی کوچک بود که فقط در بعضی از آنها تعداد پیروان به صد نفر یا بیشتر می رسید. شاخصه این جوامع غالباً یک فرایند قوی تحکیم بود که ایجاد دامنه وسیعی از فعالیت ها و پیدایش یک حس قوی هویت بهائی را امکان پذیر می ساخت. اما به مرور واضح شد که یک چنین جامعه کوچکی هر چند متحد در اعتقادات مشترک، ممتاز به آرمان های والا، ماهر در مدیریت امور و رسیدگی به نیازهای خود باشد، هر قدر هم که از طریق تلاش های بشردوستانه خود به دیگران خدمت کند، هیچ وقت نمی تواند الگویی برای بازسازی ساختار تمامی اجتماع شود.

الگوی دوم در ممالکی شکل گرفت که فرایند دخول افواج در آنجا شروع شده به افزایش تصاعدی اعضای جامعه و تعداد نقاط و مؤسسات جدید منجر شد. تعداد اعضای جامعه بهائی در چندین کشور به بیشتر از صد هزار

افزایش یافت و در هندوستان تقریباً به دو میلیون رسید. در طول یک دورهٔ دوساله در اواخر دههٔ ۱۹۸۰، بیش از یک میلیون نفر در سراسر جهان به امر مبارک اقبال نمودند. اما در چنین مکان‌هایی با وجود تلاش‌های مبتکرانه و فداکارانهٔ احبّاء، فرایند تحکیم نتوانست هم‌گام با ترویج به پیش رود. بسیاری به امر مبارک ایمان آوردند اما وسیله‌ای موجود نبود که مؤمنین جدید توسط آن بتوانند به حدّ کافی در تعالیم اساسی امرالله تعمّق یابند و یا جوامعی پویا پرورش یابد. کلاس‌های تعلیم و تربیت بهائی نمی‌توانست به تعداد کافی ارائه شود که احتیاجات تعداد روزافزون کودکان و جوانان را برآورده کند. بیش از سی هزار محفل روحانی تشکیل شد ولی فقط بخشی از آنها شروع به ایفای وظیفه نمودند. از این تجربه معلوم شد که ارائهٔ گاه به گاه کلاس‌های آموزشی و فعالیت‌های غیر رسمی جامعه اگرچه با اهمیت بود ولی کافی نبود زیرا فقط تعداد معدودی از حامیان فعال امرالله را پرورش می‌داد که هر چقدر مخلص و متعهد بودند نمی‌توانستند جواب‌گوی احتیاجات هزاران هزار مؤمن جدید باشند.

در سال ۱۹۹۶، عالم بهائی به مرحله‌ای رسیده بود که بسیاری از عرصه‌های فعالیت که در عرض چندین سال به پیشرفت‌های بزرگی منجر شده بود حال نیاز به ارزیابی و بازنگری داشت. افراد، جوامع و مؤسّسات می‌بایست شیوهٔ عملی را می‌آموختند که بتوانند با تعداد زیادی از نفوس ارتباط برقرار کنند و در عین حال تعداد افرادی را که قادر به قیام برای خدمت می‌باشند سریعاً افزایش دهند تا روال تحکیم بتواند با روال رو به تزاید ترویج هم‌گام شود. تلاش برای معرفی امر مبارک به بسیاری از جمعیت‌های جهان باید بیشتر سیستماتیک می‌شد. دعوت نقشهٔ چهارساله به "پیشبرد قابل ملاحظه‌ای در فرایند دخول افواج" (ترجمه) گواه این حقیقت بود که شرایط امر الهی و همچنین موقعیت نوع بشر، رشد پایدار جامعهٔ جهانی بهائی را در مقیاسی وسیع امکان‌پذیر و حتی ایجاب می‌نمود. فقط در چنین صورتی قدرت تعالیم حضرت بهاءالله برای تقلیب عالم انسانی می‌توانست به نحو فراینده‌ای ظاهر شود.

در شروع نقشهٔ چهارساله، احبّاء در هر منطقه‌ای تشویق شدند که رویکردها و روش‌های منطبق با شرایط خود را شناسایی نمایند و یک فرایند سیستماتیک برای توسعهٔ جامعه آغاز کنند که در طی آن بتوانند موفقیت‌ها و مشکلات خود را بازنگری نموده روش‌های خود را بر طبق آن تعدیل و بهبود بخشند، بیاموزند و بدون تردید و توقّف به پیش روند. وقتی مسیر اقدامات نامعلوم بود یک سری رویکردهایی که برای مقابله با چالش‌ها در نقشه مشخص شده بود می‌بایست در مکان‌های مختلف مورد آزمون قرار می‌گرفت. زمانی که مؤثر بودن یک ابتکار در زمینه‌ای به تجربه ثابت می‌شد، ویژگی‌های آن می‌توانست به مؤسّسات در سطح ملی یا بین‌المللی ارائه گردد و پس از آن در سایر مکان‌ها منتشر شده حتی جزئی از اجزای نقشه‌های آینده شود.

طی بیش از یک ربع قرن این فرایند یادگیری در بارهٔ رشد، سبب پیدایش یک سری مفاهیم، ابزارها و رویکردهایی گردید که چارچوب عمل در حال تکامل جامعه را مداوماً بهینه می‌نمود. از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن

ایجاد شبکه‌ای از مؤسسات آموزشی بود که برنامه‌هایی برای آموزش کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان ارائه می‌داد، برنامه‌هایی که با توان‌دهی به عدّه زیادی، آنان را قادر می‌ساخت تا قابلیت‌های خود را برای خدمت افزایش دهند. ویژگی دیگر، ایجاد ساختار محدوده‌های جغرافیایی بود، محدوده‌هایی که تنظیم و اجرای اقدامات ترویج و تحکیم را از طریق شروع تدریجی برنامه‌های رشد و تقویت آن تسهیل نمود و گسترش و توسعه امر مبارک را در هر کشور و در سراسر جهان تسریع کرد. در میان برنامه‌های رشد، الگوی جدیدی از حیات جامعه پدیدار گردید، الگویی که با تکثیر چهار فعالیت اساسی شروع شد و ابواب را برای دخول تعداد زیادی از افراد گشود و با یک سری مجهودات دیگر از جمله فعالیت‌های تبلیغی فردی و جمعی، ملاقات در منازل، گردهمایی‌های اجتماعی، برگزاری ضیافت نوزده‌روزه و جلسات ایام متبرکه، اداره امور جامعه، و ترویج اقدامات در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی همراه گردید که همگی بر تغییر و تحول خصایل روحانی جامعه و تقویت روابط اجتماعی بین افراد و خانواده‌ها تأثیرگذار بود.

با نظری به گذشته و به بیش از یک قرن تلاش در اجرای تمهیدات نقشه ملکوتی، واضح است که جامعه جهانی بهائی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در سطح فرهنگ نموده است. تعداد دائم التزایدی در یک فرایند یادگیری آگاهانه می‌آموزند که تعالیم مبارکه در رابطه با رشد و توسعه را در یک چارچوب عمل که با کسب تجربه و هدایات بیت العدل اعظم تکامل می‌یابد به کار برند. افزایش قابلیت برای مشارکت در این فرایند یادگیری در ویژگی‌هایی که به نحو فزاینده‌ای در جامعه بهائی به منصفه ظهور می‌رسد آشکار است از جمله، حفظ یک روحیه خاضعانه یادگیری، چه با به دست آوردن موفقیت‌ها و چه در پشت‌کار نشان دادن برای مواجهه با موانع و وقفه‌ها؛ تقویت هویت بهائی و در عین حال، داشتن آغوشی باز برای پذیرش همگان؛ و فعالیت در عرصه‌های بسیار وسیع‌تر مجهودات در عین حال که امور امری با رویکردی سیستماتیک و منسجم انجام می‌گردد. در هزاران محدوده جغرافیایی تعداد فزاینده‌ای از افراد، خود را به عنوان عاملین فعال در کسب، تولید و به کارگیری دانش برای ترقی و پیشرفت خودشان مشاهده می‌کنند. آنان در رابطه با مواضع ارزشمند روحانی و امور مهم اجتماعی در جمع خانواده، دوستان و آشنایان به مشورت می‌پردازند؛ فعالیت‌های آنان الگویی از حیات جامعه را شکل می‌دهد که مزین به خصیصه نیایش است؛ آموزش و پرورش جوانان را تأمین ساخته و قابلیت‌شان را برای خدمت افزایش می‌دهد؛ و به پیشرفت مادی و اجتماعی جوامع‌شان کمک می‌نماید. آنان برای کمک به بهبود جامعه محلی خود و اصلاح تمام عالم، توانمند می‌شوند و با چنین طرز فکر و عمل، به درکی عمیق‌تر از هدف و مقصد دین الهی نائل می‌گردند.

## مشارکت در حیات اجتماع

یکی دیگر از ابعاد بسط و اجرای نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء مشارکت بیشتر جامعهٔ بهائی در حیات اجتماع است. از ابتدای ولایت حضرت شوقی افندی، ایشان به کرات توجه احباً را به قوای امر حضرت بهاءالله جهت ایجاد تغییری ارگانیک در اجتماع جلب فرمودند، فرایندی که در نهایت منجر به ظهور مدنیتی روحانی خواهد شد. بنا بر این، بهائیان باید یاد می‌گرفتند که تعالیم حضرت بهاءالله را نه تنها برای تقلیب روحانی فردی بلکه برای ایجاد تغییر و تحول اجتماعی و مادی نیز به کار گیرند، ابتدا در درون جوامع خود و سپس با گسترش تدریجی تلاش‌های‌شان در اجتماع بزرگ.

در دوران حضرت عبدالبهاء، برخی از جوامع بهائی در ایران همراه با برخی از جوامع دیگر در کشورهای مجاور، به تعداد و شرایطی رسیده بودند که می‌توانستند مجهوداتی سیستماتیک را برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی دنبال نمایند. حضرت عبدالبهاء به نحوی خستگی‌ناپذیر به هدایت احباً و تقویت پیشرفت آنان پرداختند. برای مثال، مؤمنین در ایران را تشویق نمودند که مدارسی تأسیس نمایند که به روی دختران و پسران از اقشار مختلف مردم باز باشد و هم حسن اخلاق و هم فنون و علوم را آموزش دهد. آن حضرت احبایی را از کشورهای غربی به منظور کمک و مساعدت در این کار توسعه اعزام فرمودند. هیکل مبارک به دهکده‌های بهائی نزدیک همچون عدسیه و دوردست همچون دی‌داناو (Daidanaw) هدایات لازم را برای شکوفایی مادی و معنوی این جوامع ارزان نمودند. هیکل اطهر مقرر فرمودند که ملحقاتی برای آموزش و خدمات اجتماعی در اطراف مشرق‌الاذکار عشق‌آباد ایجاد شود. به تشویق ایشان، مدارسی در مصر و قفقاز تأسیس شد. پس از صعود ایشان، حضرت شوقی افندی گسترش این مجهودات را هدایت نمودند. فعالیت‌ها برای ترویج بهداشت، سوادآموزی و آموزش زنان و دختران در سراسر جامعهٔ ایران گسترش یافت. به واسطهٔ تحرک اولیه‌ای که حضرت عبدالبهاء ایجاد کرده بودند، تأسیس مدارس در شهرها و دهکده‌های سراسر ایران تداوم یافت. این مدارس برای مدّت زمانی شکوفا شده به نوسازی آن کشور کمک کردند ولی نهایتاً در سال ۱۹۳۴ به دستور دولت تعطیل شدند.

اما در دیگر نقاط، حضرت شوقی افندی به احباً توصیه فرمودند که منابع انسانی و مالی محدود خود را در ترویج امرالله و تأسیس نظم اداری بهائی متمرکز کنند. در توفیقی که از طرف ایشان صادر گردیده تشریح شده است که "تقدیم تبرّعات ما به امر مبارک مطمئن‌ترین راه از بین بردن همیشگی رنج فلاکت و گرسنگی از میان جامعهٔ انسانی است زیرا فقط از طریق نظم حضرت بهاءالله که اساس آن الهی است عالم می‌تواند بر روی پای خود بایستد." دیگران "نمی‌توانند به این اقدام ما کمک نمایند و یا آن را برای ما انجام دهند،" در ادامهٔ توفیق مبارک بیان شده است که "بنا بر این اولین وظیفهٔ ما در واقع حمایت از فعالیت‌های تبلیغی خودمان است زیرا سبب درمان و بهبودی ملل عالم خواهد شد." (ترجمه) در حالی که افراد راه‌هایی برای خود می‌یافتند که به مشارکت در توسعهٔ

مادّی و اجتماعی پردازند، بهائیان عموماً منابع خود را بر روی رشد و ساخت جوامع شان متمرکز می‌کردند. در سال‌های اوّلیه پس از انتخاب بیت العدل اعظم، هدایات در این زمینه برای مدّتی بر همین روال ادامه یافت. بنا بر این اگرچه مفهوم توسعه اجتماعی و اقتصادی در تعالیم حضرت بهاءالله مندمج است، با توجّه به شرایط امر مبارک در دوران ولایت حضرت ولی‌امرالله و در سال‌های بعد از آن، انجام فعالیت‌های توسعه برای اکثر عالم بهائی غیر عملی بود.

در سال ۱۹۸۳ پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه در زمینه نشر نفعات الله و به عنوان یکی از نتایج رشد چشمگیر امر الهی در کشورهای متعدّدی در سراسر عالم، جامعه اسم اعظم به مرحله‌ای رسیده بود که اقدام در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌توانست و در واقع می‌بایست بخشی از فعالیت‌های منظم جامعه درآید. احباً تشویق شدند تا از طریق به کار بردن اصول روحانی، حسن رفتار و صداقت و استفاده از فنّ مشورت بکوشند تا به رشد و اعتلای امور خود پردازند و در نتیجه، مسئولیت‌شان را به عنوان عاملان پیشرفت و توسعه اجتماع خود بر عهده بگیرند. دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی تأسیس شد تا بیت العدل اعظم را به منظور پیشبرد و هماهنگی اقدامات احباً در این زمینه در سراسر عالم مساعدت نماید و به مرور زمان این دفتر مراحل تکامل را طی نمود تا یک فرایند جهانی یادگیری در مورد توسعه را تسهیل کند. آحاد مؤمنین قیام به شروع فعالیت‌های گوناگونی نمودند که نه فقط بهائیان، بلکه جامعه بزرگ‌تر را نیز در بر می‌گرفت.

در طیّ یک دهه، صدها فعالیت توسعه در سراسر جهان آغاز شده بود که طیف گسترده‌ای از موضوعات نظیر پیشرفت زنان، تعلیم و تربیت، بهداشت، رسانه‌های جمعی، کشاورزی، فعالیت اقتصادی و محیط زیست را در بر می‌گرفت. این فعالیت‌ها طیفی از پیچیدگی را در برداشت. فعالیت‌های نسبتاً ساده و کوتاه‌مدت در دهکده‌ها و شهرها در پاسخ به مشکلات و چالش‌های خاصّی که در آن محل‌ها با آن مواجه بودند سازمان‌دهی می‌شد. پروژه‌های پایداری مانند مدارس و درمان‌گاه‌ها، با هدف رفع نیازهای اجتماعی در درازمدت، تأسیس شد که اغلب با ساختارهای سازمان‌دهی به منظور تضمین بقا و کارایی آنها همراه بود. نهایتاً تا سال ۱۹۹۶، تعداد محدودی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی با ساختارهایی برای برنامه‌های نسبتاً پیچیده توسط افراد ایجاد شد تا بتوانند با یادگیری سیستماتیک رویکردی منسجم به توسعه را در بین جمعیتی معین با تأثیری قابل توجّه بر یک منطقه دنبال کنند. در تمامی این تلاش‌ها، احباً در پی به کارگیری اصول روحانی برای رفع مشکلات عملی بودند.

تأثیر مجهودات سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی و همچنین نهادهایی که زیر نظر مؤسّسات بهائی در کشورها یکی پس از دیگری پدید می‌آمدند در جامعه و اجتماع بزرگ به نحو فزاینده‌ای مشهود گشت و انسجام پویای بین ابعاد مادّی و روحانی حیات را ظاهر ساخت. پیشرفت‌ها نه تنها در عمل بلکه در سطح فکری نیز ظاهر شد. احباً به

درک مجموعه‌ای از مفاهیم بنیادین نائل آمدند: اینکه دنیا قابل تقسیم به بخش‌های توسعه یافته و توسعه نیافته نیست و اینکه تمام مردمان نیازمند تقلیب و محیطی هستند که بتواند شرایط روحانی، اجتماعی و مادی لازم را برای امنیت و شکوفایی آنان تأمین نماید. توسعه، فرایندی نیست که توسط گروهی از افراد برای دیگران انجام شود بلکه همگی، هر جا که ساکن باشند عاملینی فعال در جهت پیشرفت خود هستند. دسترسی به دانش و مشارکت در تولید و به کار بستن و انتشار آن در کانون هر تلاشی قرار دارد. تلاش‌ها در مقیاسی کوچک شروع می‌شود و با اندوختن تجربیات از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌گردد. برنامه‌هایی که کارآیی آنها در یک منطقه نشان داده شده است می‌تواند به صورت سیستماتیک به دیگر مناطق معرفی شود. همچنان که این اصول و مفاهیم در محیطی خاص به کار گرفته می‌شود، احباً به نحو فزاینده‌ای در تجزیه و تحلیل شرایط اجتماعی خود مهارت می‌یابند، بینش‌هایی از آثار مبارکه و رشته‌های مختلف دانش مربوطه کسب کرده به فعالیت‌هایی مبادرت می‌ورزند که در یک پارچگی کامل با اقدام جامعه‌سازی است.

تا اینکه در سال ۲۰۱۸، با گسترش چشمگیر و پیچیدگی روزافزون فعالیت‌های توسعه در سراسر جهان، مؤسسه‌ای جدید، یعنی سازمان توسعه بین‌المللی بهائی، در ارض اقدس تأسیس شد. این مؤسسه جهانی با به عهده گرفتن و گسترش وظایف و اموری که قبلاً توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی انجام می‌شد کار خود را آغاز کرد و به تقویت تلاش‌ها برای اقدام اجتماعی افراد، جوامع، مؤسسات و نهادها در همه جا پرداخت. همانند آن دفتر سابق، هدف اصلی این مؤسسه تسهیل فرایند جهانی یادگیری در مورد توسعه است که در عالم بهائی در حال بسط می‌باشد، از طریق تقویت و پی‌گیری عمل و تأمل، جمع‌آوری و سیستماتیک کردن تجربیات، مفهوم‌سازی و آموزش که همگی در پرتو تعالیم امر مبارک صورت می‌گیرد. در نهایت، هدف این مؤسسه پرورش یک رویکرد متمایز بهائی نسبت به توسعه است.

به موازات بسط سیستماتیک فرایندهای ترویج و تحکیم و توسعه اجتماعی و اقتصادی، حوزه اقدام مهم دیگری نیز ظاهر شد: مشارکت بیشتر در گفتمان‌های رایج اجتماع. در تعداد فزاینده‌ای از فضاها اجتماعی که مشورت در باره مسائل بشری صورت می‌گیرد، بهائیان می‌کوشند که بینش‌هایی را که از بحر پرگهر آثار حضرت بهاءالله الهام گرفته است با دیگران در میان گذارند. در ابتدا حضرت بهاءالله پیام شفابخش ظهور اعظمش را به صورتی مستقیم به رهبران جهان اعلان نمودند و از جمیع بشر خواستند که آن را به کار گیرند. علیرغم قصور پادشاهان و فرمان‌روایان در اقبال به ماهیت الهی دعوی مبارک، حضرت بهاءالله از آنان خواستند که تعالیم را برای استقرار صلح جهانی به کار گیرند "لما نبذتم الصلح الاکبر عن ورائکم تمسکوا بهذا الصلح الاصغر لعل به تصلح



امورکم و الذین فی ظلکم علی قدر<sup>۴</sup>. حضرت عبدالبهاء در آثار خود از جمله در لوح لاهه و به خصوص در خطباتی که در سفرهای هیکل مبارک به غرب صورت گرفت، بی‌وقفه تعالیم اب بزرگوارشان را با قدرت‌مندان و با توده مردم که دست به گریبان مشکلات بی‌شمار نوع بشر بودند در میان نهادند.

در ابتدای دوران ولایت خویش، حضرت شوقی افندی با وقوف به اهمّیت حیاتی آشنا نمودن مردم و رهبران جهان با بینش‌ها و حکمت‌های مندرج در تعالیم بهائی، مبادرت به اقداماتی به این منظور نمودند. این اقدامات شامل افتتاح دفتر اطلاعات بهائی در ژنو در سال ۱۹۲۵، انتشار مجلّات عالم بهائی، و دعوت از بهائیان مطلع برای مرتبط نمودن تعالیم بهائی با افکار معاصر در رابطه با مسائل مبرم جهانی بود. پس از ایجاد سازمان ملل متحد، جامعه جهانی بهائی به عنوان سازمانی غیردولتی در سال ۱۹۴۸ تأسیس گردید و نمایندگی جوامع بهائی در سراسر عالم را بر عهده گرفت و به نحوی فزاینده در برخی از جنبه‌های کار این سازمان جهانی مشارکت نمود. این امر فصل جدیدی را در روابط مستمرّ امر بهائی با دولت‌ها، سازمان‌های جهانی و نهادهای جامعه مدنی در سطح جهانی آغاز کرد. حضرت ولی‌ام‌الله با آنکه اجازه ندادند این اقدامات اهمّیت اساسی ترویج امرالله را تحت الشعاع قرار دهد، احبّاً را تشویق نمودند که اجتماع بزرگ را با مقتضیات تعالیم مبارک آشنا سازند. ایشان در نامه‌ای خطاب به یکی از جوامع ملّی می‌فرمایند: «به موازات این فرایند تحکیم تار و پود نظم اداری و توسعه بنیانش، کوششی قاطع» به منظور برقراری رابطه نزدیک‌تر با دیگران از جمله «رهبران افکار عمومی» «باید مبذول گردد». (ترجمه) هیکل مبارک با تأکید بر هم‌کاری و ارتباط به جای عضویت در سازمان‌هایی مشابه که به مسائل اجتماعی توجّه دارند، مؤمنین را از مشارکت در امور سیاسی برحذر داشتند و آنان را تشویق نمودند که با آن سازمان‌ها مرتبط باشند و آنها را با اهداف و مقاصد امر مبارک و ماهیت تعالیم مبارکه‌اش در مورد موضوعاتی چون استقرار صلح جهانی آشنا سازند.

پس از تأسیس بیت العدل اعظم، فرایند مشارکت در گفتمان‌های اجتماع وسعت بیشتری یافت. در زمان‌های مقتضی، معهد اعلی به انتشار گسترده اصول امر مبارک، مانند صدور بیانیه «وعدّه صلح جهانی» خطاب به مردم جهان، مبادرت نمودند. جامعه جهانی بهائی با تقویت موقعیت خود در سازمان ملل متحد توانست روابط رسمی‌تری را با نهادهای سازمان ملل در دهه ۱۹۷۰ برقرار کند و به انتشار بیانیه‌هایی در رابطه با امور جهانی و ایجاد فضاهایی خاص برای هم‌کاری با دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی مبادرت ورزد. جامعه جهانی بهائی همچنین ضمن شناخته شدن در میان دیگر سازمان‌های هم‌کارش در سازمان ملل به عنوان نهادی که نه به دنبال منفعت خود بلکه به دنبال سعادت و رفاه مردم جهان است، توانسته است نقشی سازنده در سمینارها و انجمن‌های

<sup>۴</sup> مضمون بیان: حال که صلح اکبر را رد کرده‌اید تمسک به صلح اصغر نمایید تا به این وسیله امور شما و مردمان‌تان قدری بهبود یابد.

بین‌المللی متعدد، مانند کنفرانس محیط زیست و توسعه پایدار در ریو دو ژانیرو (Rio de Janeiro)، کنفرانس جهانی زنان در پکن (Beijing)، اجلاس سران در زمینه توسعه اجتماعی در کپنهاگ (Copenhagen)، و اجلاس هزاره در نیویورک (New York) ایفا نماید. پس از وقوع انقلاب ایران و تجدید تضحیقات علیه احبای آن سامان، تعدادی از جوامع ملی بهائی الزاماً وارد گفتگوی نزدیک‌تری با نهادها و مؤسسات ملی و بین‌المللی شدند. متعاقباً این جوامع به تأسیس دفاتر ملی امور خارجی با هدف تقویت و پشتیبانی از تلاش‌هایی که در سطح بین‌المللی برای دفاع از امر مبارک مبذول می‌گردد پرداختند.

با آغاز قرن بیست و یکم، پیشرفت ارگانیک امرالله منجر به ایجاد شرایطی برای مشارکت سیستماتیک بیشتر در گفتمان‌های اجتماع شد. وب‌سایت‌های ملی و بین‌المللی بهائی به نحو چشم‌گیری مبادرت به ارائه تعالیم مبارکه در گستره وسیعی از موضوعات نمودند. مؤسسه مطالعات رفاه جهانی به منظور انجام تحقیقات در رابطه با مقتضیات تعالیم حضرت بهاءالله برای مسائل مبرم اجتماعی ایجاد شد و به مرور زمان، شروع به برگزاری سمینارهایی برای افزایش درک و توسعه قابلیت در میان دانشجویان بهائی نمود. فعالیت دفتر جامعه جهانی بهائی که ابتدا در نیویورک (New York) و ژنو (Geneva) متمرکز بود، به دفاتر منطقه‌ای در آدیس آبابا (Addis Ababa)، بروکسل (Brussels) و جاکارتا (Jakarta) گسترش یافت. در سطح ملی، دفاتر امور خارجی به نحو فراینده‌ای آموختند که چگونه در برخی از گفتمان‌های ملی به نحوی سیستماتیک به نیابت از جوامع شان مشارکت کنند. در میان موضوعاتی که در کشورهای مختلف با تأکید خاصی دنبال شده می‌توان به پیشرفت زنان، نقش دین در اجتماع، توان‌دهی روحانی و اخلاقی به جوانان، ترویج عدالت، و تقویت انسجام اجتماعی اشاره نمود. امروز، یک فرایند جهانی یادگیری ناشی از تجربیات مشارکت در این گفتمان‌های ملی توسط دفتر گفتمان‌های عمومی در مرکز جهانی بهائی تسهیل می‌شود. احباً در سطح مردمی، در محله‌ها و دهکده‌ها، و در محیط کاری و سایر فضاهای اجتماعی که در آن به عنوان فرد حضور دارند، مشغول یادگیری پیرامون ارائه مفاهیمی از آثار مبارکه هستند تا با مشارکت در ارتقای فکر و عمل که برای تحقق تغییر و تحول سازنده ضروری است، هم‌وطنان‌شان را مساعدت نمایند.

تشدید فرایند تخریب نظم کهنه عالم و خشن‌تر شدن و قطبی‌تر شدن گفتمان اجتماع، منجر به بازگشت اختلاف و رقابت در بین گروه‌ها و ایدئولوژی‌هایی گشته که موجب جدایی مردمان می‌گردند، لذا مشارکت در تمام سطوح اجتماع، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. بهائیان با توجه به درک خود مبنی بر اینکه تقلیب منظور نظر حضرت بهاءالله مشارکت همگان را می‌طلبد، به دنبال هم‌کاری با بسیاری از افراد و سازمان‌های هم‌دل می‌باشند که اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. در چنین تلاش‌های مشترک، احباً بینش‌هایی از تعالیم حضرت بهاءالله و همچنین یادگیری‌های عملی کسب شده از مجهودات جامعه‌سازی خود را با دیگران در میان می‌گذارند و در عین حال از تجربیات آن هم‌کاران می‌آموزند. احباً در کار کردن با افراد، جوامع و سازمان‌ها، اعم از مدنی و دولتی،

هوشیارند که گفتمان در مورد بسیاری از مسائل اجتماعی ممکن است مشاجره‌آمیز یا آمیخته با جاه‌طلبی‌های سیاسی باشد. در تمام محیط‌هایی که بهائیان در سطحی عمیق‌تر در فعالیت‌های اجتماع بزرگ مشارکت می‌کنند، به دنبال ایجاد توافق و وحدت نظر و ترویج هم‌کاری و جستجوی مشترک برای راه‌حلی‌هایی جهت مشکلات مبرم بشری هستند. برای آنان ابزار مورد استفاده جهت دستیابی به هدف، به اندازه خود هدف اهمیت دارد.

بسط و گسترش فرایند مشارکت فزاینده در حیات اجتماع و استقرار آن در جوامع بهائی سراسر عالم، ابتدا در کنار اقدامات برای نشر نفعات الله و توسعه نظم اداری صورت گرفت. اما در دهه‌های اخیر با به‌کارگیری فزاینده عناصر چارچوب مفاهیم ذهنی در اجرای نقشه‌های جهانی توسط احبّاء، تلاش‌ها برای اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان‌های اجتماع با فعالیت‌های مربوط به ترویج و تحکیم انسجام قابل ملاحظه‌ای یافته است. در حین مجاهدات‌شان در محدوده‌های جغرافیایی، احبّاء ناگزیر به حیات اجتماعی اطراف خود وارد می‌شوند و فرایند یادگیری که محرک تلاش‌ها برای رشد و جامعه‌سازی است به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها گسترش می‌یابد. با پرورش قابلیت‌ها برای درک شرایط اجتماع اطراف، با ایجاد فضاهایی برای کاوش در مفاهیمی از آثار حضرت بهاء‌الله و در مفاهیمی از رشته‌های مربوطه دانش بشری، با ارائه بینش‌ها برای حل مشکلات عملی، و با افزایش قابلیت در مؤمنین و دیگر اعضای اجتماع بزرگ، اکنون کمک به پیشرفت مادی، اجتماعی و معنوی به نحو فزاینده‌ای ویژگی حیات بهائی گردیده است. در نتیجه این انسجام رو به رشد در عرصه‌های مختلف مجاهدات، اقدامات محلی ساده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی از چند صد فعالیت در سال ۱۹۹۰ به چند هزار تا سال ۲۰۰۰ و به ده‌ها هزار تا سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. مشارکت بهائیان در گفتمان اجتماعی با واکنش مثبت قابل توجهی در محیط‌هایی بی‌شمار، از محله‌ها گرفته تا سطح ملی مواجه شده است، زیرا بشریتی که از مشکلات متعدّد ناشی از نیروهای مخرب پریشان و متفرّق گشته، مشتاقانه به دنبال بینش‌های جدیدی است. در تمام سطوح اجتماع، رهبران فکری به نحو فزاینده‌ای جامعه بهائی را مرتبط با مفاهیم و رویکردهای تازه‌ای می‌دانند که به شدت مورد نیاز جهانی از هم‌گسیخته و ناکارآمد است. نیروی اجتماع‌سازی امر مبارک که در آغاز قرن اول عصر تکوین عمده‌تاً نهفته بود، اکنون در بسیاری از کشورها یکی پس از دیگری به نحو فزاینده‌ای مشهود است. ظهور این نیروی اجتماع‌سازی که منبعث از آگاهی و قابلیت جدیدی برای یادگیری در میان افراد، جوامع و مؤسسات در سراسر جهان است، مقدّر است که خصیصه بارز مرحله کنونی و مراحل بعدی بسط و اجرای نقشه ملکوتی گردد.

توسعه مرکز جهانی بهائی

به موازات رشد امر الله و بسط و گسترش نظم اداری، تحولاتی به همان درجه مهمّ در طول قرن اول عصر تکوین در مرکز جهانی بهائی به وقوع پیوست، تحولاتی که در اثر قوه نافذ منشور دیگر یعنی لوح مبارک کرمل نازله

از قلم مبارک حضرت بهاء‌الله به جریان افتاد. تأثیرات متقابل فرایندهای مربوط به سه منشور جلیل از جمله ظهور مؤسسات و نهادهای مختلف مرکز اداری جهانی بهائی قبلاً توصیف شده است. اکنون تأملاتی چند در مورد توسعه مرکز روحانی امرالله را می‌توان به آن شرح اضافه نمود.

هنگامی که قدوم مبارک حضرت بهاء‌الله به سواحل عکا رسید اوج رسالت آن حضرت آغاز گردید. ربّ الجنود در ارض مقدّس ظاهر شد. ورود آن حضرت از هزاران سال قبل، از لسان انبیای الهی پیش‌بینی شده بود. اما تحقّق این پیش‌گویی به اختیار آن حضرت نبود بلکه ظلم و ستم دشمنان سرسخت ایشان موجب تبعید آن وجود مقدّس به آن سرزمین گردید. حضرت بهاء‌الله هنگام ورود مبارک به سجن عکا مشاهدات خود در عوالم روحانی را در لوحی چنین توصیف می‌فرماید: ”ان وردنا ... استقبلونا بوجه عزّ درّياً ... وکان بأیدیهم اعلام النّصر: اذاً نادى المناد فسوف یبعث الله من یدخل النّاس فی ظلّ هذه الأعلام“<sup>۵</sup>. قوّه روحانی آن اراضی با حضور جمال مبارک و استقرار عرش مقدّس شان در آن سرزمین و بعد به فاصله‌ای کوتاه با مستقرّ شدن عرش مطهّر مبشّر آن حضرت که خود بنفسه مظهر الهی بود، افزایشی بی‌اندازه یافت. آن سرزمین اکنون جاذب قلوب همه بهائیان و مرکز عبادت آنان و مقصد هر زائر مشتاق است. اماکن مقدّسه بهائی پذیرای مردم ارض مقدّس و فی الحقیقه همه مردم جهان است. این اماکن ودیعه گران‌بهایی برای جمیع اهل عالم است.

اما دسترسی و اختیارات بهائیان بر مرکز روحانی این آیین در پایان عصر رسولی و سال‌ها پس از آن هنوز محدود بود. حتّی بعضی اوقات برای حضرت عبدالبهاء حضور در مرقد مقدّس اب بزرگوارش به منظور تلاوت دعا و مناجات با چه مشکلاتی توأم بود. چه وضعیّت پرخطری برای آن مولای محبوب به وجود آمده بود زمانی که به دلیل ساختن بنایی که به دستور حضرت بهاء‌الله مقدّر بود عرش مطهّر حضرت ربّ اعلی پس از سفر طولانی از محلّ شهادت در آن استقرار یابد به دروغ متهم به فتنه شدند. شرایط وخیم و ناامن مرکز جهانی تا دوران ولایت حضرت ولی‌امرالله ادامه یافت به صورتی که مدّتی کوتاه پس از به عهده گرفتن مسؤلیت‌های مبارک، کلید مقام مقدّس حضرت بهاء‌الله توسط ناقضین غصب شد. بنا بر این، از جمله اولین و حیاتی‌ترین وظایف حضرت شوقی افندی که در طی دوره ولایت خود پی‌گیری فرمودند حراست و نگهداری و گسترش و زیباسازی دو عتبه مقدّسه علیا و سایر اماکن مقدّسه بود. برای وصول به این هدف، در عین حال که مانند حضرت عبدالبهاء اصول مبرم بهائی یعنی مرافقت با همه مردم و احترام نسبت به مقامات مستقرّ دولتی را رعایت می‌فرمودند، هیکل مبارک می‌بایست دوره‌ای از تغییرات پرآشوب در ارض اقدس را طی می‌کردند از جمله بحران اقتصادی جهانی، جنگ، تغییر و تحوّل مکرر سیاسی و بی‌ثباتی اجتماعی. حتّی زمانی بود که هیکل مبارک برای حفاظت عرش مطهّر

<sup>۵</sup> مضمون بیان: هنگام ورود ما ... نفوسی با وجوه نورانی به استقبال آمدند ... و پرچم‌های پیروزی در دست داشتند.

ندا آمد که خداوند کسی که مردم را در ظلّ این پرچم وارد سازد به زودی مبعوث خواهد کرد.

حضرت بهاءالله در نظر داشتند که آن را به مکانی مناسب در کوه کرمل منتقل فرمایند. در ایام آشوب و اغتشاش، در حالی که گروه کوچک مؤمنین محلی را به متفرق شدن به ممالک دیگر مأمور می نمودند، خود هیکل مبارک در نهایت استقامت در حیفا باقی ماندند. این وظیفه پرزحمت که به نحوی خستگی ناپذیری می شد تا آخرین ایام حیات مبارک ادامه یافت تا اینکه مآلاً روضه مبارکه حضرت بهاءالله توسط مقامات مدنی به عنوان یک مکان مقدس بهائی شناخته شد و سرانجام عالم بهائی برای حفاظت و زیباسازی مقدس ترین مکان خود از آزادی عمل برخوردار گردید.

حضرت ولی امرالله در طول تلاش های خود برای تملک، بازسازی، مرمت، و حفاظت اماکن مقدسه، املاک اطراف روضه مبارکه و قصر بهجی را به میزان قابل توجهی گسترش داده و آنچه را که سرانجام حدایق منظم و مزین وسیعی شدند احداث فرمودند. هیکل مبارک در کوه خدا مقام مبارک حضرت باب را که توسط حضرت عبدالبهاء شروع شده بود، پس از وقفه ای طولانی با اضافه کردن سه حجره و بنای رواق و قبه طلایی آن، تکمیل و اطرافش را سرسبز و خرم فرمودند. "قوس کرمل که در حول آن ابنیه نظم اداری جهانی بهائی" (ترجمه) مقدر بود ساخته شود به دست مبارک حضرت ولی امرالله ترسیم شد؛ هیکل مبارک در یک طرف قوس اولین ساختمان آن را یعنی دارالآثار بین المللی بهائی بنا فرمودند و در مرکز آن قوس، بقاع متبرکه حضرت ورقه مبارکه علیا و برادر بزرگوار و والده مکرم شان را قرار دادند. مساعی حضرت ولی امرالله در راستای توسعه مرکز جهانی توسط بیت العدل اعظم ادامه یافت. اراضی و اماکن مقدسه بیشتری خریداری و زیباسازی گردید، ابنیه قوس کرمل ساخته شد، و طبقاتی که در ابتدا مورد نظر حضرت عبدالبهاء بود و توسط حضرت ولی امرالله شروع گردیده بود از پایین تا بالای کوه کرمل گسترش یافت. قبل از اتمام قرن اول عصر تکوین، اراضی مجاور مقام حضرت رب اعلی به بیش از ۱۷۰۰۰۰ متر مربع افزایش یافت و همچنین بعد از یک سری مبادلات و ابتیاع املاک، اراضی حول روضه مبارکه حضرت بهاءالله از حدود ۴۰۰۰ به بیش از ۴۵۰۰۰۰ متر مربع افزایش یافت. در سال ۲۰۱۹، بنای مقام شایسته آرامگاه ابدی حضرت عبدالبهاء در عکا در قرب باغ رضوان شروع شد.

در طی این قرن، توسعه مرکز اداری امرالله نیز تسریع یافت. حضرت ولی امرالله در اوایل ولایت شان برای سالیان متمادی آرزو داشتند نفوسی قابل بتوانند به ایشان کمک نمایند ولی در آن زمان عالم بهائی برای ارائه اینگونه کمک بسیار کوچک بود. اما با رشد جامعه بهائی، بیت العدل اعظم به نحو فزاینده ای توانست با بهره گیری از جریان مستمر آمدن داوطلبان، دوایر و نهادهایی حیاتی برای امر مبارک که با سرعت در حال پیشرفت است تأسیس نماید تا احتیاجات مرکز جهانی و همچنین جوامع در حال ازدیاد در سراسر عالم را برآورده کند. اکنون پرسش ها و پاسخ ها، تدابیر و هدیایات، مسافرین و زائرین مستمراً بین تمام نقاط کره ارض و قلب عالم بهائی در جریانند. در سال ۱۹۸۷، بعد از ده ها سال تغییر و تحوّل و ابهام، تلاش های صبورانه ای که بیشتر توسط حضرت شوقی افندی برای برقراری روابط حسنه با مقامات مدنی در ارض اقدس شروع شده بود با به رسمیت

شناخته شدن مرکز جهانی بهائی به عنوان مرکز روحانی و اداری جامعه جهانی بهائی که تحت اشراف بیت العدل اعظم فعالیت می‌کند، به نتیجه رسید.

همانطور که روابط بین افراد، جوامع و مؤسسات در طول زمان بر اساس توفیقات قبلی و قیام برای رویارویی با چالش‌های جدید تکامل یافته است رابطه مرکز جهانی بهائی با بهائیان سراسر عالم نیز به همان نحو تحول یافته. ارتباط نزدیک و جدایی ناپذیر مرکز روحانی و اداری بهائی با توسعه عالم بهائی در پیام ۲۴ مه ۲۰۰۱ این جمع خطاب به احبابی که به مناسبت اتمام پروژه‌های کوه کرمل گرد هم آمده بودند بیان شده است "ابنیه رفیع البنیانی که اکنون در امتداد قوس کرمل، در دامنه کوه خدا قد برافراشته، قوسی که بدین منظور توسط حضرت شوقی افندی ترسیم شده، همراه با سلسله طبقات مجلل و باغ‌های شکوهمندی که مقام اعلی را در بر گرفته، نشانه‌ای از تجلی ظاهری قدرت بی‌کران و حیات بخش امر مبارکی است که به خدمت آن مشغولیم. این ابنیه گواه جاودانی بر این حقیقت‌اند که پیروان حضرت بهاءالله شالوده یک جامعه جهانی را با موفقیت بنیان نهاده‌اند، جامعه‌ای که مافوق همه اختلافاتی است که بین نوع بشر جدایی می‌اندازد، آنان مؤسسات اصلی یک نظم اداری بی‌نظیر و خلل ناپذیر را ایجاد کرده‌اند که حیات این جامعه را شکل می‌دهد. با تغییر و تحولات حاصله در کوه کرمل، امر بهائی به عنوان یک واقعیت مشهود و غیر قابل انکار در صحنه جهانی و به عنوان کانون نیروهایی که به اراده الهی در موعد معین اجتماع را نوسازی خواهد کرد و به عنوان یک منشأ معنوی تجدید حیات روحانی برای همه کسانی که به آن اقبال می‌کنند پدیدار می‌شود." (ترجمه)

#### چشم انداز

حضرت عبدالبهاء چند هفته قبل از صعود با یکی از احباب در بیت مبارک بودند و به او فرمودند "بیا تا با هم از صفای این باغ لذت ببریم" سپس فرمودند "نگاه کن که روح وفاداری ممکن است چه کارهایی بکند. این محل منبت باطراوت چند سال قبل یک تل سنگی بود و امروز با گل و ریاحین سبز و خرم است. آرزو دارم که بعد از من احباب عزیز متحداً به خدمت امر الهی قیام کنند و به خواست خدا چنین خواهد شد." و وعده فرمودند که نفوسی ظاهر خواهند شد که "به عالم روح خواهند بخشید."

یاران و یاوران عزیز، در پایان قرن اول عصر تکوین، عالم بهائی از قابلیت‌ها و منابعی برخوردار است که در زمان صعود حضرت عبدالبهاء به روشنی قابل تصور نبود. در اثر مجهودات نسل‌های متوالی، امروزه جمع کثیری در سراسر کره ارض برخاسته‌اند، نفوسی فداکار که بالاتفاق نظم اداری را بنا می‌کنند، دامنه حیات جامعه بهائی را گسترش می‌دهند، تعاملش با اجتماع را عمیق‌تر می‌سازند و مرکز روحانی و اداری امرش را توسعه می‌دهند.

این بررسی مختصر صد سال گذشته نشان داده که چگونه در اثر تلاش برای اجرای سیستماتیک سه منشور الهی، جامعه بهائی خلقی جدید گشته که مورد نظر حضرت عبدالهء بوده است. همانگونه که فرد انسان مراحل مختلف رشد و تکامل جسمانی و عقلانی را تا رسیدن به مرحله بلوغ طی می کند، همانگونه جامعه بهائی نیز از نظر تعداد و ساختار، درک و بینش، آمادگی برای قبول مسئولیت هایش و تحکیم روابط بین افراد، جوامع و مؤسسات، به نحو ارگانیک تکامل می یابد. در طی این قرن، سلسله پیشرفت هایی را که جامعه بهائی در سطح محلی و همچنین در مقیاسی جهانی تجربه نمود این جامعه را قادر ساخته است تا اقدامات هدف مندانه در طیف بسیار وسیع تری از مجهودات را دنبال نماید.

در انتهای عصر رسولی، جامعه بهائی با سؤالاتی بنیادین درباره چگونگی سازمان دهی به امور اداریش برای پاسخگویی به مستلزمات نقشه ملکوتی مواجه بود. حضرت ولی امرالله احباً را هدایت فرمودند تا بیاموزند چگونه به آن سؤالات اولیه پردازند، فرایندی که هنگام صعود مبارک با ترتیبات بین المللی نویایی که به وجود آمده بود به اوج خود رسید. قابلیت هایی که طی آن دوره ایجاد شد به عالم بهائی امکان داد تا به بسیاری سؤالات جدید درباره چگونگی ادامه امور امرالله تحت هدایات بیت العدل اعظم در سطحی عظیم تر و با وسعت و پیچیدگی بیشتر پاسخ گوید. اما باز هم پس از پیشرفت چشمگیری در طی چندین دهه، هنگام شروع نقشه چهارساله سؤالات بیشتری در مورد فرصت های بزرگ تری در مسیر آینده امر مبارک مطرح بود. آن نقشه چالش جدیدی را برای یک دوره توسعه وسیع تر متمرکز بر پیشبرد قابل ملاحظه ای در فرایند دخول افواج در همه مناطق دنیا عنوان نمود. این قابلیت فزاینده برای حل سؤالات پیچیده و پرداختن به سؤالات پیچیده تر است که خصیصه مهم فرایند یادگیری است و محرک پیشرفت امرالله. بنا بر این بدیهی است که عالم بهائی در بسط و توسعه ارگانیک خود، با هرگامی که به جلو برمی دارد نیرویی تازه و قابلیت های جدیدی می یابد که با آن به چالش های عظیم تری در مسیر مجهوداتش برای نیل به مقصد حضرت بهاءالله برای نوع بشر می پردازد. عالم بهائی به همین نحو پیش خواهد رفت و علیرغم شئون و حوادث دنیا، از میان بحران و پیروزی با بسیاری تغییرات غیر منتظره، مراحل بی شمار عصر تکوین و عصر ذهبی را تا پایان دور بهائی مستمراً طی خواهد کرد.

در سال های پایانی قرن اول عصر تکوین، یک چارچوب عمل مشترک پدیدار گشته بود که اینک محور اصلی اقدامات جامعه شده است، چارچوبی که افکار را آگاه می سازد و فعالیت هایی پیچیده و مؤثر را شکل می دهد. این چارچوب دائماً از طریق کسب تجربیات و هدایات بیت العدل اعظم تکامل می یابد. عناصر محوری این چارچوب حقایق روحانی و اصول اساسی امر الهی است. از جمله عناصر دیگری که به فکر و عمل کمک می کند ارزش ها، نگرش ها، مفاهیم و روش ها است. همچنین برخی دیگر از عناصر، درک عالم فیزیکی و حقایق اجتماعی از طریق کسب بینش از رشته های مختلف دانش است. در این چارچوب دائماً در حال تکامل، بهائیان یاد می گیرند که چگونه به نحوی سیستماتیک تعالیم حضرت بهاءالله را به مرحله عمل درآورند تا مقاصد عالیّه

مبارکش را برای اصلاح عالم تحقّق بخشند. اهمّیت این افزایش قابلیت برای یادگیری و مقتضیات آن برای پیشبرد عالم انسانی در مرحله کنونی توسعه اجتماعی اش، هر قدر تأکید شود مبالغه نیست.

چه بسیار است توفیقاتی که عالم بهائی به آن نائل آمده! چه بسیار است آنچه هنوز باید انجام پذیرد! نقشه نه‌ساله وظایفی را که مستقیماً در پیش رو قرار دارد مشخص می‌کند. از جمله عرصه‌های مورد تمرکز، تکثیر و تشدید برنامه‌های رشد در محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان و انسجام بیشتر در امر جامعه‌سازی، اقدام اجتماعی، و مشارکت در گفتمان‌های رایج از طریق مساعی هماهنگ سه عامل فعال نقشه می‌باشد. مؤسسه آموزشی تقویت خواهد شد و به عنوان یک سازمان آموزشی که قابلیت برای خدمت را پرورش می‌دهد به تکامل خود ادامه خواهد داد. بذرهایی که این مؤسسه در قلوب نسل‌های پی در پی جوانان می‌کارد از طریق سایر فرصت‌های آموزشی، پرورش خواهد یافت تا هر فرد قادر گردد به پیشرفت و رفاه اجتماع کمک کند. پیشرفت بی‌سابقه زنان در مقام شرکای کامل در امور جامعه، مکمل فعالیت‌های جوانان در سراسر جهان خواهد بود. قابلیت مؤسسات بهائی در همه سطوح با بذل توجه خاص به تأسیس و توسعه محافل محلی و افزایش تعامل آنها با اجتماع بزرگ و رهبران آن پرورش خواهد یافت. حیات فکری جامعه نضج خواهد گرفت تا دقت و درایت لازم برای اثبات کارآیی تعالیم شفابخش حضرت بهاء‌الله به بشریتی شکاک را فراهم نماید. همه این تلاش‌ها از طریق سلسله نقشه‌ها ادامه خواهد یافت، نقشه‌هایی که شامل وظایف خطیری است که بیش از یک نسل را در بر خواهد گرفت و عالم بهائی را به آستانه قرن سوم خود رهنمون خواهد ساخت.

تلاش‌های قاطعانه جامعه برای کسب درکی کامل تر از تعالیم حضرت بهاء‌الله و زندگی بر طبق آن تعالیم، در بستر بزرگ‌تر دو فرایند مخرب و سازنده که حضرت شوقی افندی توصیف فرموده‌اند، صورت می‌گیرد. نیل به هدف سلسله نقشه‌های کنونی، یعنی ظهور و بروز بیش از پیش نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی، مستلزم توانایی قرائت واقعیت اجتماع است، اجتماعی که به این فرایندهای دوگانه عکس‌العمل نشان داده توسط آنها شکل می‌گیرد.

کثرت وقایع و نیروهای مخرب از جمله آلودگی محیط زیست، تغییرات آب و هوا، بیماری‌های عالم‌گیر، انحطاط دین و اخلاق، از دست رفتن هدف و هویت، فرسودگی مفاهیم حقیقت و خرد، تکنولوژی افسارگسیخته، تشدید تعصبات و منازعات عقیدتی، فساد فراگیر، بحران‌های سیاسی و اقتصادی، جنگ و کشتار دسته‌جمعی، هر یک اثرات خونین و دردآکین خود را در صفحات تاریخ و زندگی میلیاردها نفوس به جای گذاشته است. روندهای سازنده امیدبخشی نیز در عین حال مشاهده می‌شود که همراه با فرایند "آشوب‌های عالم‌گیر" به فرموده حضرت شوقی افندی "در انتظار روزی که اتحاد نوع انسان تحقّق و وحدتش استقرار یابد، عالم بشریت را تطهیر و تجدید ساختار می‌نماید." (ترجمه) اشاعه روح اخوت و اتحاد، آگاهی عظیم‌تری از وابستگی متقابل جهانی،



توسل به تعاون و تعاضد بین افراد و مؤسسات، و اشتیاقی شدید برای صلح و عدالت، باعث تقلیب عمیق روابط انسانی می‌شود. بدین ترتیب در حالی که بشریت روابطی را شکل می‌دهد که شالوده یک جهان متحد و صلح‌آمیز است، جهان با گام‌های لرزان بی‌شمار، گه‌گاه با جهش‌های چشمگیر و گه‌گاه در دوره‌های متناوبی که پیشرفت متوقف و یا حتی معکوس می‌شود، همچنان به سوی بینش حضرت بهاء‌الله به پیش می‌رود.

نیروهای مخرب که عالم را به ضربه گرفته است جامعه بهائی را در امان نمی‌گذارد. تاریخ هر جامعه ملی بهائی به راستی شاهد تأثیرات این نیروها است. در نتیجه، در نقاط مختلف و در مواقع مختلف پیشرفت جامعه بهائی در یک محل خاص با گرایش‌های اجتماعی به تعویق افتاد یا موقتاً محدود شد یا حتی با مخالفت و ضدیت به خاموشی گرایید. بحران‌های ادواری اقتصادی منابع مالی محدود امرالله را تقلیل داد و مانع انجام پروژه‌های رشد و توسعه گشت. اثرات جنگ جهانی برای مدتی اجرای نقشه‌های سیستماتیک را در اکثر جوامع بهائی فلج نمود. تلاطماتی که نقشه سیاسی جهان را تغییر داده موانعی برای مشارکت کامل بعضی از مردمان عالم در فعالیت‌های بهائی ایجاد نموده است. تعصبات فرهنگی و دینی که زمانی در حال فروکش تصور می‌شد دوباره با شدت جدیدی ظاهر شده است. بهائیان سعی کرده‌اند که این چالش‌ها را با استقامت و عزمی راسخ پاسخ گویند. اما در قرن گذشته، هیچ واکنشی والاتر و شریف‌تر از پاسخ بهائیان ایران در مقابل نیروهای متخاصمی که به قصد مخالفت با پیشرفت امرالله به پا خاستند، مشاهده نشده است.

از سال‌های اولیه ولایت حضرت ولی‌امرالله، تضییقاتی که بهائیان ایران در سراسر عصر رسولی متحمل شده بودند، همچنان ادامه یافت و به صورت امواجی از سرکوب خشونت‌آمیز، آن جامعه را احاطه نمود و به دنبال انقلاب ایران با حملات و مبارزات سازمان‌یافته و ظلم و ستم شدت یافت و تا به امروز بی‌وقفه ادامه دارد. بهائیان ایران علیرغم تحمل همه این مظالم، با شجاعتی تسلیم‌ناپذیر و استقامتی سازنده به این تضییقات پاسخ داده‌اند. آنان با کسب توفیقاتی عظیم به امتیاز ابدی فائزگشته‌اند، توفیقاتی چون تأسیس مؤسسه علمی آزاد برای تضمین آموزش و پرورش نسل‌های بعدی، مساعی آنان در جهت تقلیب نظریات اهل انصاف در بین هم‌وطنان‌شان چه در داخل و چه در خارج از کشور، و بالاتر از همه، تحمل بی‌عدالتی‌های بی‌شمار، بی‌حرمتی‌ها و محرومیت‌ها تا از هم‌کیشان خود محافظت کنند، اصالت امر حضرت بهاء‌الله را در موطن عزیزش مصون دارند، و حضور امر مبارک را در آن سرزمین برای بهره‌مندی شهروندانش تضمین نمایند. در چنین جلوه‌هایی از صبر و استقامت تزلزل‌ناپذیر، فداکاری خالصانه و حمایت متقابل، درس‌هایی اساسی نهفته است که چگونه عالم بهائی باید در مقابل شتاب گرفتن نیروهای مخرب که می‌توان در سال‌های آینده انتظار داشت، عمل نماید.

چالش ناشی از تأثیرات متقابل فرایندهای سازندگی و تخریب در حقیقت چالش تمسک به تعالیم حضرت بهاء‌الله و به توصیف آن حضرت از واقعیت است و در عین حال، ایستادگی در مقابل کشش به مباحث

مناقشه‌انگیز و قطبی و تجویزات فریبنده در تلاش‌های بی‌ثمر برای تعریف هویت انسانی و واقعیت اجتماعی ناشی از ادراکات محدود بشری، فلسفه‌های مادی‌گرا و تمایلات شدید رقابتی. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند "رگ جهان در دست پزشک دانا است درد را میبیند و بدانائی درمان میکند". و همچنین "دیده میشود گیتی را دردهای بی‌کران فراگرفته". هیکل مبارک همینطور می‌فرمایند که کسانی که "سرمست شده‌اند پزشک دانا را از او باز داشته‌اند اینست که خود و همهٔ مردمان را گرفتار نموده‌اند". اگر بهائیان گرفتار توهمات نفوس ستیزه‌جوشوند و اگر بخواهند از ارزش‌ها و گرایش‌ها و اعمالی که معرف عصر خودشیفتگی و منفعت‌طلبی است تقلید کنند، بروز آن قوایی که برای نجات نوع بشر از شرایط اسف‌بارش لازم است دچار تأخیر و انسداد خواهد شد. حضرت ولی‌ام‌الله توضیح می‌فرمایند "در حالی که بشریت بیش از پیش در اعماق نومیدی، انحطاط، اختلاف، و اضطراب مستغرق می‌شود، بانیان دلیر نظم جهانی رو به توسعهٔ حضرت بهاء‌الله باید به اعلی درجات دلاوری و شهامت نائل گردند، با سکون و وقار به سوی آینده به پیش رفته اطمینان داشته باشند که مهم‌ترین مساعی و بزرگ‌ترین فرصت‌ها برای عالی‌ترین توفیقات‌شان مقارن با تحولات و آشوب‌های پرفاجعه‌ای خواهد بود که نشانهٔ پایین‌ترین مرحلهٔ انحطاط سریع سرنوشت عالم انسانی است." (ترجمه)

هیچ کس نمی‌تواند دقیقاً پیش‌بینی کند که چه مسیری را نیروهای مخرب طی خواهد کرد، چه تشنجات شدید‌ای را بشریت در این عصر پر درد و الم متحمل خواهد شد، و یا چه موانع و فرصت‌هایی پیش خواهد آمد تا آنکه روند ظهور صلح اکبر به اوج خود رسیده منتهی به مرحله‌ای گردد که ملل عالم با شناخت وحدت و یگانگی نوع انسان ابزار جنگ را کنار گذاشته "از سلاح باصلاح توجه کنند". یک امر اما مسلم است و آن اینکه فرایند سازندگی نیز سرعت خواهد گرفت و تلاش‌های کسانی را که در حال یادگیری به مرحلهٔ عمل درآوردن تعالیم حضرت بهاء‌الله می‌باشند به تلاش‌های نفوسی از اجتماع بزرگ که در جستجوی عدالت و صلح هستند بیش از پیش پیوند خواهد داد. حضرت شوقی افندی در توقیع ظهور عدل الهی برای احبای امریکا تشریح می‌فرمایند که با توجه به جمعیت اندک و تأثیر محدود جامعه‌شان بر اجتماع، می‌بایست در عین حال که اجرای تعالیم مبارکه را می‌آموختند تمرکزشان را در آن زمان معطوف به رشد و توسعهٔ جامعهٔ خود می‌نمودند. ولی آن حضرت وعده فرمودند که زمانی خواهد رسید که از آنان خواسته خواهد شد تا هم‌وطنان خود را در فرایند بهبود و رفاه ملت‌شان همراهی نمایند. آن زمان هم‌اکنون فرارسیده است. آن زمان نه تنها برای بهائیان امریکا بلکه برای بهائیان جهان فرارسیده است که نیروی اجتماع‌سازی مکنونه در امر مبارک به مقیاسی روزافزون جلوه و بروز نماید.

بروز چنین نیرویی، مقتضیاتی برای دهه‌های آینده در بردارد. هر قوم و ملتی نقشی در مرحلهٔ بعدی تجدید بنای بنیادین اجتماع بشری بر عهده دارد. در فرایند ساختن یک جهان متحد همه از بینش و تجارب منحصر به فرد برخوردارند و این مسئولیت احباً است که به عنوان حاملان پیام حیات‌بخش حضرت بهاء‌الله مردمان عالم را در بروز استعداد‌های نهفتهٔ خویش برای رسیدن به والاترین آرمان‌های‌شان یاری دهند. در این تلاش، یاران الهی این پیام

گران بها را با دیگران در میان می‌گذارند و می‌کوشند تا کارآیی درمان یزدانی را در زندگی افراد و جوامع نشان داده و با تمام کسانی که آن ارزش‌ها و آرمان‌ها را قدر دانسته و ارج می‌نهند هم‌کاری کنند. بدین ترتیب بینش حضرت بهاء‌الله از یک جهان متحد، هادی و نویدبخش مردمی خواهد شد که درک‌شان به دلیل سردرگمی کنونی عالم دچار انحراف گشته است و به آنان مسیر سازنده‌ای را برای هم‌کاری در جستجوی علاج برای بیماری‌های دیرینه اجتماع عرضه خواهد کرد. با تأثیر روح امر مبارک در قلوب و شعله‌ور شدن عشق در آن و تقویت هویت مشترک نوع انسان به عنوان مردمی واحد، حسّ صادقانه و فاداری و مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود و نیروها را به جای قدرت طلبی دنیوی به سمت خدمت خالصانه برای خیر عموم سوق می‌دهد. مردمان به جای مشاجره و مناقشه‌های ممتد به نحوی فزاینده روش مشورت، عمل و تأمل را اختیار می‌کنند. افراد، جوامع، و مؤسسات در اجتماعات مختلف به نحو فزاینده‌ای تلاش‌های خود را برای رسیدن به مقصدی مشترک هماهنگ می‌نمایند تا بر رقابت‌های فرقه‌ای فایق آیند و خصایل روحانی و اخلاقی که اساس پیشرفت و ترقی و رفاه نوع بشر است در خلق و خوی انسانی و عادات اجتماعی ریشه دواند.

عالم به سوی سرنوشت خود در حرکت است. هم‌زمان با شروع دومین قرن عصر تکوین امر حضرت بهاء‌الله شایسته است که همگان از بیانات حضرت ولیّ محبوب امرالله که ید هادی او قرن گذشته را به طور تغییرناپذیری شکل داد الهام گیرند. آن حضرت در سال ۱۹۳۸ در باره اجرای مرحله اول نقشه ملکوتی می‌فرماید: «قوای مکنونه‌ای که پروردگار توانا در آن به ودیعه گذاشته بدون شک مروجین امرش را قادر به تحقق مقاصدشان خواهد ساخت، ولی تا حدّ زیادی بستگی به روح و روشی خواهد داشت که با آن این وظیفه انجام می‌گیرد. نفوسی که برای اعتلای اسم اعظم ... شدیداً در تلاشند می‌توانند با بینش روشن و واضح‌شان، با ثبوت و رسوخ خلل‌ناپذیر ایمان‌شان، با خصلت تباهی‌ناپذیرشان، با نیروی عزم راسخ‌شان، با تفوق اهداف و مقاصد بی‌مانندشان و با وسعت توفیقات بی‌نظیرشان، به بهترین وجهی به اجتماع بی‌بصیرت، بی‌ایمان و مضطربی که به آن متعلق‌اند، قدرت خود را برای ارائه پناه‌گاهی امن در ایامی که رنج و تعب مقدر آنان را احاطه نموده نشان دهند. فقط و فقط آن زمان است که این نهال نارس که در خاک حاصل‌خیز نظم اداری الهی غرس شده و با فرایندهای محرکه مؤسساتش نیرومند گشته، بهترین ثمرات ارزشمند مقدره‌اش را به بار خواهد آورد.» (ترجمه)

[امضا: بیت العدل اعظم]